



با گرامیداشت یاد و آموزشهای منصور حکمت

آلترناتیو کمونیسم کارگری

مصاحبه با رادیو انترناسیونال

صفحه ۳

درمان رایگان و آموزش رایگان، بارومترهای اعتراضی معلمان و پرستاران

سیامک بهاری

صفحه ۲

یونان: شمارش معکوس آغاز میشود!

حمید تقوایی

صفحه ۶



معلمان در مقابل زندان اوین دست به تجمع زدند

صفحه ۸

از ما میپرسند:

شما چرا با "تمامیت ارضی" مخالفید؟ آیا خواهان تجزیه ایران
و جدایی بخش هایی از کشور هستید؟
علی جوادی پاسخ می دهد:

صفحه ۱۱

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۵

جمعه ۱۲ تیر ۱۳۹۴، ۳۰ جولای ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

به یاد عزیز منصور حکمت!

اهمیت سیاسی رفراندوم یونان

مضحکه دموکراسی در کردستان عراق

"آزاد اندیشی دینی"

یک تناقض درخود است

صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

درمورد درگذشت نادر بکتاش

صفحه ۱۲

پیام هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری

به مراسم یادبود رفیق سعید اصلی

صفحه ۱۲

پرستاران بیمارستان های تهران، اصفهان

و تبریز دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۱۲

رضا امجدی و فردین میرکی

از فعالین کارگری سندج دستگیر

فرزاد مرادی نیا به دو سال زندان محکوم شد

صفحه ۹

اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران

بازداشت شد

صفحه ۹



درمان رایگان و آموزش رایگان، بارومترهای اعتراضی معلمان و پرستاران

سیامک بهاری

پرستاران در تهران و چندین شهر دیگر در پی عدم پاسخ به خواست هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند. مبارزات پرستاران سابقه و قدمت دیرینه دارد. سالهاست که پرستاران در اشکال مختلف برای احقاق خواسته‌های خود در اشکال مختلف می‌جنگند. خواسته‌های بدیهی و پایه‌ای که سالهاست از آن محرومند.

بدوش کشیدن بار گرانی سرسام آور با دستمزدهای زیر خط فقر، فشار طاقت فرسا و ناامنی و بی‌تأمینی و استانداردهای پایین محیط کار از یکسو، تبعیض نهادینه شده در کل سیستم خدمات درمانی، پرستاران را به میدان اعتراض برای خاتمه دادن به این وضعیت غیر انسانی کشانده است.

طرح "قاصدک"، طرح "تحول نظام سلامت"، که در واقع، بخشی از اعمال جبری سیاست "اقتصاد مقاومتی" خامنه‌ای است، با شعارهای ظاهری و ادعای پوچ و تو خالی و فریبکارانه برای کاهش هزینه‌های درمانی مردم ابداع شده است، عملاً به سطح رفاه و امنیت شغلی پرستاران یورش برد.

دولت برای عملی کردن و اجرایی کردن این طرح با توجه به افلاس و ورشکستگی جبری اقتصادی و از آنجا که به سبب کسری بودجه آنهم در ابعاد نجومی، قادر به تأمین هزینه تعهداتش در بخش درمان نیست، تمامی فشار را بر روی بخشهای مختلف درمانی منتقل کرد تا به تحمیل مشقت بر پرستاران هزینه هایش را کاهش دهد. در بخشهای درمانی هدف اساسی این طرح این است که با فشار کاری بیشتر و تحمیل اضافه کاری مضاعف میزان بارآوری کار را افزایش بدهد بدون اینکه بودجه‌ای برای آن پردازد، از استخدام رسمی پرستاران جدید و نیز افزایش دستمزدها برابر گرانی

کمرشکنی که خود منشاء و عامل بقای آن است، طفره برود.

با رقابتی کردن محیط کار، استخدامهای قراردادی و پیمانی جای استخدام رسمی را می‌گیرد. افزایش دستمزد منوط به عملکرد پرستار یعنی کار بیشتر و تحمل فشار بیشتر با همان دستمزد ناچیز می‌گردد. افزایش حقوق، منوط به کار بیشتر یا همان "دستمزد برابر عملکرد" می‌گردد. پرسنل درمانی ناچاراً باید با اضافه کاری اجباری و پذیرش شیفت‌های طاقت فرسای در گردش و شبکاریهای مستمر، برای افزایش بخش ناچیزی از دستمزدهای زیر خط فقر، برده وار کار کنند. پرداخت دستمزد مبتنی بر عملکرد، جای دستمزد و حقوق ماهانه رami گیرد. کسر دستمزد در ایام بیماری و مرخصی تا سرحد روزمزد شدن دستمزد پیش می‌رود. کسر حقوق به علت خطای کاری نیز مانند بختک روی سر پرستاران می‌نشیند و فضای محیط کار از آنجه هست رقابتی تر و ناامن تر و تهدید آمیزتر میشود.

میانگین دستمزد پرستاران چیزی حدود یک میلیون و دویست پنجاه هزار تومان است، نا گفته پیداست خط فقر تحمیلی برابر اعتراضات حکومت اسلامی بیش از سه میلیون تومان است، که با مشقت اضافه کاری و شبکاریهای طاقت فرسا، نهایتاً حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان خواهد شد. این دستمزد ناچیز، عملاً پرستاران را به بخش محروم فقیر جامعه بدل کرده که علیرغم میزان تحصیلات، اهمیت شغلی و میزان فشار کار از تأمین زندگی با استاندارد متوسط نیز بازمانده اند و زندگی زیر خط فقر به آنان تحمیل گردیده است.

عدم تأمین هزینه در بخشهای درمانی، سبب سقوط استانداردهای ایمنی و بهداشتی محیط کار میگردد و عملاً سلامتی و امنیت جانی پرستاران را با خطرات جانی روبرو می‌کند. آنچه بر پرستاران

تحمیل میشود گویای سطح نازل استاندارد درمان و بهداشت برای کل جامعه است.

شکل گیری اعتراضات و طرح شعار کلیدی درمان رایگان!

مبارزه بر سر افزایش دستمزد یک رکن اساسی جدال هر روزه میلیونها مردمی است که زیر آوار اقتصاد مقاومتی حکومت اسلامی له می‌شوند. پس زدن این آوار و مطالبه یک زندگی شایسته و انسانی خود را در اشکال اعتراضی متنوعی مانند مبارزات دایمی کارگران، اعتراض معلمان و بازنشسته‌ها و پرستاران نشان میدهند.

اولین تجمع اعتراضی در سال گذشته در اسفند ماه ۱۳۹۳ با حضور جمعیت کثیری بالغ بر ۴۰۰۰ نفر مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران برگزار شد. پرستاران با برگزاری این تجمع اعتراضی وسیع اتحاد و همبستگی سراسری خود را به نمایش گذاشتند و زمینه پیشرویهای بیشتری را ایجاد کردند. انعکاس وسیع این تجمع ابعاد بین المللی بخود گرفت و توسط بسیاری از خبرگزاریهای معتبر منتشر گردید. این تجمع موجب شد کل جامعه با خواسته‌های بحق پرستاران و ارتباط مستقیمی برقرار کند.

در ادامه طی یکی دو هفته اخیر، در محل بیمارستانهای مختلف یکی پس از دیگری در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، اهواز، همدان، نور، قم و آمل، تجمعات اعتراضی با حضور پرستاران و سایر کارکنان و خدمه درمانی بیمارستانها با اشکال متنوع برپا گردید.

تجمع و فراخوان سراسری ۸ تیرماه برای اعتصاب سراسری نیز پاسخ شایسته‌ای گرفت و در بسیاری از مراکز درمانی و بیمارستانها در شهرهای مختلف مجدداً پرستاران دست به اعتراض زدند. بدنبال آن صدها پرستار بیمارستانهای مختلف شهر همدان، مجدداً در ۹ تیرماه،

علیه طرح رسوای قاصدک دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع‌ها با کثرت بیشتر و سراسری تر شکل می‌گیرند. دامنه خواسته‌ها همانطور که انتظار میرفت از محدوده شغلی فراتر رفت و ابعاد اجتماعی تری بخود گرفت. طرح مطالبه درمان رایگان در کنار سایر مطالبات بحق که مطرح شده اند، یک نقطه عطف جدی و تعیین کننده در مبارزات اخیر پرستاران است. حلقه‌ای که با آن، مبارزات اخیر پرستاران، خود را بلافاصله به خواست پایه‌ای کل جامعه متصل می‌کند.

درمان رایگان آلترناتیو میلیونها مردمی است که فقر و عدم استطاعت مالی آنها را از حق درمان و مراجعه به پزشک و بیمارستان محروم گردانده است. پرستاران درمان رایگان بعنوان راه حل انسانی و عقلانی برای پایان دادن به تجاری کردن پروسه درمان را مطرح میکنند. با رایگان شدن درمان، رابطه پزشک و بیمار از یک رابطه تجاری به یک رابطه انسانی ارتقاء پیدا می‌کند. بیمار و پرستار و کادر درمانی از رابطه پولی متقابل خلاص میشوند و حس انساندوستی و درمان بیمار بعنوان یک نیاز فوری و یک حق طبیعی انسانی به نرم جامعه بدل می‌گردد.

همانگونه که خواست آموزش رایگان و تغییر فضا و سیستم آموزشی و امنیت مدارس در کنار مطالبه افزایش دستمزد تحت عنوان "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون" و یا "هم از فقریزاریم، هم از فرق"، مبارزه آنان را در سطح مبارزه‌ای عمیقاً اجتماعی ارتقا داد.

آموزش رایگان و درمان رایگان آلترناتیوهای عمیقاً انسانی در مقابله با تبعیض نهادینه در دسترسی به آموزش و درمان است. این دو خواست عملاً مبارزات پرستاران و معلمان را کنار هم می‌گذارد و بر ضرورت اتحاد و همبستگی هر چه

بیشتر آنان که در واقع اتحاد بخش عظیم جامعه است، تاکید می‌گذارد و مستقیماً جامعه را به دخالت و پشتیبانی از این مبارزات می‌کشاند.

شیوه‌های سازمانیابی

مبارزه مشترک بر سر خواسته‌های مشترک عملاً مبارزات معلمان و پرستاران و بازنشستگان را کنار مبارزات جاری کارگری قرار میدهد. تجربه‌ها و دستاوردهای هر یک بر دیگری تأثیر مستقیم خواهد گذاشت، معلمان در مبارزات اخیر خود توانستند با اتکا به اشکال مختلف و استفاده از مدیای اجتماعی، مانند وایبر، واتس‌آپ، تلگرام و غیره، ارتباط گیری با هم را ساده تر و بنوعی متحول کنند. مبارزات و خواسته‌های رادیکال خود را رسانه‌ای کنند. دسترسی سراسری جمع‌ها و تشکلهای محلی به یکدیگر و هم نظری و هم فکری و همدلی، خود را ارتقاء بدهند. کمک به ارتباطات سریعتر و خبررسانی بموقع، پیوند مبارزات پراکنده در شهرهای مختلف و شکل گیری صف متحدتر و سراسری آنان را نیز میسر ساخت.

پرستاران هم لازم است با استفاده از این تجربیات برای حضور در مدیای اجتماعی دامنه تماس خود را بسرعت افزایش دهند. جلب حمایت مردم از خواسته‌های پرستاران منوط به شکستن دیوارهای قطور سانسور و خنثی کردن جعل اخباری است که رسانه‌های ریز و درشت حکومتی مداوماً برای منحرف کردن مبارزات اعتراضی مردم بکار می‌گیرند. ماشین تبلیغات حکومت را نباید دست کم گرفت.

طرح شعار درمان رایگان بعنوان یکی از سرفصل‌های مهم مبارزاتی پرستاران که مستقیماً یک خواست وسیع مردم محروم در ایران است را با خبر رسانی و طرح و توضیح وسیع آن به مطالبه‌ای عمومی تبدیل کرد که

آلترناتیو کمونیسم کارگری

مصاحبه علی جوادی و آذر ماجدی با منصور حکمت در رادیو انترناسیونال

برگرفته شده از سایت منصور حکمت: <http://hekmat.public-archive.net/fa/3400fa.html>



و طبیعت انسان فرضاً جور در نمی آید. به این شما چه میگوید؟ حکمت: بحث طبیعت انسان که بنظر من چرند است. انسان اخلاقیاتش، معیارهایش، موازینش، ارزشهایش تابع مقطع زمانی و تاریخی است که در آن زندگی میکند. خیلی از ارزشهای دو هزار سال پیش الآن برای ما قابل باور نیست که انسانها اینطوری میانیدیشدند. در نتیجه خیلی احکام بدیهی و ارزشهایی که فکر میکنیم امروز فرض است و آدم بطور کلی اینطوری است، صد سال دیگر مردم میگویند این چه افکار بدوی بوده که انسانها در قرن بیست و یک و بیست داشتند. در نتیجه بحث ارزشها را باید بگذاریم کنار. بحث از نظر عملی چه جوری میشود یک چنین جامعه‌ای را پیاده کرد، موانع ایجاد یک چنین جامعه‌ای دو دسته عمده است. یکی موانع سیاسی است، که این یعنی اینکه طبقه حاکم که حُب واضح است در تغییر پیدا کردن این نظام نفعی ندارد و میخواهد جلویش را بگیرد بطرق سیاسی جلوی تغییر را میگیرد. نقش دولتها است، نقش کلیسا است، نقش نهاد مذهب است، نقش روزنامه‌ها و رسانه‌های طبقات حاکم است که سعی میکنند بطرق سیاسی مانع از این بشوند که نیروهایی که میخواهند یک جامعه آزاد و برابر، یک جامعه سوسیالیستی بیاورند موفق بشوند. از شکنجه و زندان و اعدام و تیرباران تا تبلیغات هر روزه رسانه‌ها بخشی از یک تلاش آگاهانه طبقه حاکم است که نظامش را نگذارد. حُب واضح است اگر شما بیایید بگویید آقا جان لازم نیست وسایل تولید جامعه ملک کس معینی باشد، میتواند ملک جامعه باشد، میتواند اموال جامعه باشد و

میدهی و این حرفها رویا است و غیره. حُب بشر دو سه هزار سال در آن نظامها زندگی کرده و بعد هم دیده که میشود تغییرش داد. سوسیالیسم مدتها است عملی است. اینکه احاد بشر بنشینند و تصمیم بگیرند که چی باید تولید کنند، چه جوری باید مصرف کنند، کسی برای کس دیگری کار نکند بلکه برای همیگر و برای جامعه کار کنند، اینکه معاش آدم را گرو نگیرند، که حتماً باید بروی شغلی پیدا کنی، جان بکنی تا به تو اجازه بدهیم خانه داشته باشی یا به بچات غذا بدهی. اینها عملی است چیز عجیبی نیست. اگر کسی بگوید این شدنی نیست میگویم این تبلیغ که "این شدنی نیست" بخشی از روند جلوگیری از این تحول است. کسی که دارد میگوید شدنی نیست بنظر من آدمی است از اردوی مقابل آمده تبلیغات منفی بکند، آمده جنگ روانی بکند. چطور شدنی نیست؟ خیلی کارهای دیگر شدنی است این یکی شدنی نیست؟ الآن وضع تولیدی و فنی جامعه امروز جوری است که کاملاً میتواند جامعه سوسیالیستی را سازمان بدهند، پیاده بکنند، برنامه ریزی بکنند. هیچ لزومی ندارد یک نیروی کوری به اسم بازار و عواملی مثل فقر و نیاز سرنوشت اقتصادی جامعه را تعیین کند. میتواند تصمیم آگاهانه آدمهای خوش و برابر این تصمیم را بگیرد.

ماجنی: ببینید یک سؤالی هست که همه جا پرسیده میشود: اینکه شما بطور واقعی چطور میتوانید این سوسیالیسم را پیاده کنید و این رفاهی که میگویید مسکن برای همه، بهداشت مجانی، آموزش و پرورش مجانی، و اینکه هر کس آزادانه خودش پرود سر کار را واقعاً تأمین کنید؟ این با وضعیت جامعه

غیره را نظام حق مردم میدانند. در نتیجه جنگ بین دو اردوی اساسی سرمایه یا سوسیالیسم است. در اردوی سرمایه حُب نماینده‌های مختلفی هست. یکی هست که میخواهد بازار آزاد را با همه زشتیهایش به جان مردم بیندازد، یکی میگوید حالا برای مثال بیاییم بخشی از بهداشت را از دست بازار آزاد در آوریم بگذاریم جزو وظایف دولت.

حزب کمونیست کارگری از نظر اقتصادی بنابراین دارد یک نظامی را پیشنهاد میکند و برای یک نظامی تلاش میکند که در آن آدمها بعنوان شهروندهای آزاد سهم میگذارند و باید محصول جامعه را به اندازه نیازشان برداشت میکنند. این اساس عمومی کمونیسم است. برنامه اقتصادی کوتاه مدت و مشخص برای مثلاً امسال و سال آینده اگر بخواهیم بحث کنیم میشود راجع به جزئیاتش صحبت کرد، ولی این چهارچوب کلی است که فکر میکنم هر کس باید یادش باشد. دو سیستم یکی مبتنی بر استثمار فرد توسط سرمایه یکی مبتنی بر همکاری و تعاون آزادانه آدمها برای ساختن یک جامعه. این دو تا سیستم متفاوت است. ما معتقدیم یکی فقر و بدبختی می آورد همانطور که تا حالا آورده، یکی هم رفاه و آزادی می آورد. جوادی: در پاسخ به این نکته شما معمولاً مطرح میشود که این تغییرات مطلوب است، تغییرات ایده‌آلی است ولی ممکن نیست، که اجازه نمیدهند، نمیکارند، عملی نیست ...

حکمت: البته این حرف عجیبی نیست. فکر میکنم اولین برده‌ای که گفته آرد یکی را باید لغو کرد حتماً صد نفر دورش جمع شده‌اند که آقا این چه حرفی است، این حرفها خوب است ولی عملی نیست! "یا آن رعیتی که گفته "من نمیخواهم رعیت یک خان فئودالی باشم" به او گفته‌اند اگر این حرفها برزی سرت را به باد

مثال زنهاروسریها را یک ذره بگذارند وسط سر؟ یا آیا آن خواستی را که مردم ایران باید برایش بروند که یک جامعه آزاد و برابری که نمونه باشد برای جهان امروز؟ مردم ایران این انتخاب را الآن برای اولین بار به دست آورده‌اند بعد از سالها که میتوانند نظام سیاسی- اجتماعی را عوض کنند و بنظر من باید تصمیمات بزرگ بگیرند. حزب کمونیست کارگری نماینده این تغییر اساسی در جامعه است.

ماجنی: شما درباره این صحبت کردید که "آیا یک آخوندی که شش تا سنگسار میکند یا روسری..." من فکر میکنم خوب است برویم به عرصه‌های مختلفی. یعنی هر کسی که علاقه معینی دارد و در عرصه معینی از حقوق مدنی یا اقتصادی بتواند جواش را بگیرد. اولین سؤال این است که مردم رفاه اقتصادی میخواهند، زندگی مرفه و سعادتمند میخواهند، در این مورد حزب کمونیست کارگری ایران چه میگوید و چه برنامه‌ای دارد؟

حکمت: ببینید، دعوا اساساً بین دو اردوی اصلی در جامعه است. اردویی که معتقد است آدمها به دنیا می آیند تا برای یک موجودی به اسم سرمایه کار کنند و به اندازه‌ای که بتوانند دوباره فردا صبح رمق داشته باشند بیایند توی بازار پول بگیرند و بروند معاش خودشان را تأمین کنند، یا یک اردویی که میگوید که آدمها برابرند، افراد آزاد هستند، مساوی هستند و جامعه باید از هر کس به اندازه استعدادش استفاده بکند و به هر کس به اندازه نیازش مایحتاجش را در اختیارش بگذارد. جامعه‌ای که در آن آدمها کالا نیستند، نیروی کارشان را نمیبزنند توی بازار بفروشند بلکه چون شهروند هستند، به صرف اینکه دنیا آمدند یک حقوقی دارند از نظر اقتصادی، و باید تأمین بشود، از غذا و معاش و مسکن و غیره تا نیازهای سیاسی و فرهنگی، نیازهای آموزش و پرورش، بهداشت، طب و

متن پیاده شده از روی نوار جوادی: در این قسمت برنامه گفتگو میکنیم با منصور حکمت لیدر حزب کمونیست کارگری ایران. منصور حکمت به برنامه ما خوش آمدید. حکمت: خیلی متشکرم. جوادی: منصور حکمت روز گذشته در رابطه با تحولاتی که در سال گذشته افتاد با چشم اندازی از تحولات سال آتی صحبت کردید. سال پر تحولی را بنظر میرسد که پشت سر گذاشته ایم و بنظر سال تعیین کننده‌ای را پیش رو داریم. سالی که گذشت جنبش دوم خرداد شکست خورد مردم توجه‌شان به جنبش سرنگونی طلبی و جنبش احزاب که در این جنبشها فعال هستند جلب شده. مردم دنبال راه حل میگردند و حزب کمونیست کارگری ایران یک نیروی جدی و مطرح در این جنبش وجود دارد. چرا باید این حزب را انتخاب کنند؟

حکمت: احزاب سیاسی حُب طبعاً هر کدام اهدافی را نمایندگی میکنند، تغییراتی را میخواهند باعث بشوند. حزب کمونیست کارگری نماینده برابری، آزادی، عدالت اجتماعی، جامعه ملرن، برابری زن و مرد، خلاصی از استثمار مزدی و غیره است. مردم باید حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنند برای اینکه این تنها راهی است که بنظر من برای آزادی سیاسی و یک زندگی اجتماعی انسانی، برای گشایش فرهنگی در ایران وجود دارد. مردم میتوانند احزاب سیاسی دیگر را بگذارند توی یک ستون و خواسته‌هایشان را بنویسند توی آن ستون، خواستها و سیاستهای حزب کمونیست کارگری را مقایسه کنند و ببینند چرا باید حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنند. آیا یک آخوند معتدلی که فرض کنید به جای هجده تا سنگسار در سال شش تایشان را تصویب میکند، این آرزویی است که باید مردم ایران باید داشته باشند؟! یا اینکه برای

آلترناتیو کمونیسم کارگری

از صفحه ۳

جامعه تولید را با آن سازمان دهد، چه لزومی دارد دست این حاج آقا یا دست آن سرمایه‌دار باشد و من برای آن کار کنم او معاش من را بدهد ولی کالاهای را ببرد بفروشد برای خودش، می‌تواند جامعه محصولانش را به چشم کالا نگاه نکند، حُب واضح است حاج آقا دلخور می‌شود و اتحادیه سرمایه‌داران نگران می‌شود و نقش دولت اصلاً در جامعه سرمایه این است که بیاید جلوی طبقه کارگر و جنبش برابری طلبی و عدالت اجتماعی را بگیرد و نگذارد موفق بشود. از طریق زدن احزاب، از طریق خفه کردن آزادی بیان، از طریق ایجاد اختناق و استبداد، از طریق تبلیغات تحریف آمیزی که از صبح تا شب می‌شود. شما یک روز پای تلویزیونها و رسانه‌های آزاد غرب بنشینید می‌فهمید که مزرخرفاتی را دارند بعنوان حقیقت به خورد مردم و نسل بعدی می‌دهند از این طریق سیستم خودشان را حفظ می‌کنند.

در نتیجه مانع اولیه که باید در هم کوبید یک مانع سیاسی است. اول باید دولت را به دست آورد. اول باید طبقاتی که ذینفع هستند در چنین جامعه آزادی و اساساً طبقه کارگر و کسانی که افقش را می‌بینند قدرت را به دست بگیرند. از دولت بورژوازی، از دولت طبقه سرمایه‌دار خلع ید کنند. و بعد میرسیم به مسائل اقتصادی. آیا از نظر فنی، از نظر تولیدی، از نظر تکنولوژی، از نظر سیستمهای حمل و نقل، از نظر قدرت برنامه‌ریزی یک جامعه‌ای را می‌شود سازمان داد که آدمها از یک طریق بعنوان مصرف کننده بیایند بگویند چه احتیاج دارند و از یک در دیگر خودشان بعنوان تولید کننده بروند آن لیستی از آن چیزهایی که احتیاج دارند را تولید کنند؟ از نظر اقتصادی این خیلی عملی است.

بنظر من دشواری کمونیسم امروز و سوسیالیسم امروز در بعد اقتصادی نیست، در بعد سازمان دادن اقتصاد سوسیالیستی نیست، در بعد سیاسی است. آیا این پیروزی سیاسی را می‌شود به دست آورد؟ برخلاف صد سال پیش. بنظر من صد سال پیش کمونیستی که ممکن بود قدرت را بتواند به دست بگیرد در یک کشوری

مثل روسیه مواجه بود با اینکه جامعه از نظر اقتصادی خیلی دشوار می‌کند سازماندهی چنین اقتصادی، اقتصاد آزاد و برابری را. ولی الآن عصر دیگری است. قدرت تولیدی بشر بطور بیسابقه‌ای رشد کرده است. رابطه اطلاعاتی افراد با هم خیلی بالا است. یعنی شما همین امروز می‌توانید از همه مردم نظرشان را بپرسید. از نظر فنی عملی است، همه می‌توانند مراجعه کنند یک جایی، دو خط را در یک کامپیوتر تایپ کنند همه اینها می‌تواند برود یک جایی معلوم شود کی چی می‌خواهد، ساینز کفشش چقدر است، چند تا شلوار می‌خواهد، آیا تلویزیون می‌خواهد یا نه، آیا تستر می‌خواهد، آبمیوه‌گیری می‌خواهد، پلوپز می‌خواهد، کفش ورزشی می‌خواهد، چی می‌خواهد؟ هر کسی می‌تواند نیازش را به اطلاع جامعه برساند. لازم نیست یک بازاری باشد که آدم یک مقدار پول بگذارد جیبش و بعد برود آن تو ببیند مثلاً می‌تواند حالا دو تا شلوار بخرد با پولی که دارد یا نه. آدمها می‌توانند بگویند چه می‌خواهند، مدارس می‌توانند بگویند چه می‌توانند بگویند چه می‌خواهند و به یک لیستی از کالاهای میرسیم، به لیستی از محصولات میرسیم که جامعه باید اینها را تولید کند یا فراهم کند. از آن طرف همین آدمها بعنوان تولید کننده این لیست را می‌گذارند جلویشان و تولید اجتماعی را آنطوری سازمان می‌دهند.

اگر این عجیب و غریب بنظر می‌آید برای اینست که ما به این سیستم موجود عادت کرده ایم. عادت کرده ایم دولت هست، عادت کرده ایم آقا بالا سر هست، عادت کرده ایم سرمایه‌دار هست و جالب است وقتی به آن فکر نکنید. اگر معاون وزیر اضافه حقوق بخواهد وزیر پلیس را صدا نمی‌کند یک گاز اشک‌آور بیاندازند توی اتاق معاونش. ولی تا کارگر می‌گوید آقا مزد ما را بدهید، مزد کارپارسل ما را بدهید" حمله می‌کند به بخشی از جامعه، برای اینکه می‌خواهد طرف قرارداد قراردادش را رعایت کند، حمله می‌کند. شما می‌گویید "من کارگرم شما حقوق یک سال من را ندادید" به او حمله می‌کنند. و ما اینقدر این خشونت و این فشار و این اختناق و این تحریفات بورژوازی و رسانه‌ها و

مذهب و غیره روی سر جامعه حاکم بوده که باور نمی‌کنیم می‌شود جور دیگر زندگی کرد. چندان دشوار نیست. اگر از شر اینها خلاص شویم کاملاً می‌توانیم جور دیگر زندگی کنیم. ببینید، یک خانواده که بالاخره معاش خودش را تأمین کرده و از بازار می‌آورد توی خانه مصرف کند، آنجا دیگر رابطه مزدی بین آحادش برقرار نیست. پس میدانیم می‌شود یک عدای بنشینند دور هم و آن چیزی که دارند با هم مصرف کنند. منتها از خانواده که می‌آید بیرون شما دیگر باید برای یکی کار کنید. اگر پول نداشته باشید حق ندارید زندگی کنید، حق ندارید بخرید، حق ندارید مصرف کنید. چیزهایی که حق شما است باید بروید اجازه مصرفش را به دست بیاورید از طریق کار کردن برای کسی، که او هم یک محدوده قدرت خریدی بعنوان مزد به شما بدهد که بروید بخرید، اگر توانستید.

این سیستم طبقاتی است، ما عادت کرده ایم اینطوری باشد. اگر از نظر سیاسی مقاومت بالا را در هم بشکنیم، اگر آزاد بشویم برای تصمیم گیری در جامعه، آنوقت الگوی یک جامعه سوسیالیستی چیز چندان پیچیده‌ای نیست بنظر من. می‌شود جوانب دیگرش را بررسی کرد که جهان سرمایه‌داری است آیا یک کشور سوسیالیستی می‌تواند دوام بیاورد یا تجارت بین‌المللی چه می‌شود و غیره. ولی اینها همه قابل حل است بنظر من. مشکل هنوز بنظر من در بعد سیاسی و ایدئولوژیک است. آیا می‌توانیم مقاومت عظیم طبقه حاکم را در هم بشکنیم، دولت را بگیریم، جامعه آزاد شود و امور خودش را در دست بگیرد یا نه.

جوابی: سؤال من این است که هیچ آدم عاقلی درست بودن این مطالبات را رد نمی‌کند. یک جامعه مرفع در مقابل جامعه‌ای که سیاهی و تبااهی و فقر و فلاکت در آن هست. مسأله اینجا است که مردم چگونه و طی چه پروسه‌ای می‌توانند انتخاب بکنند، در این آلترناتیو را انتخاب بکنند، در رابطه با آلترناتیوهای بین بد و بدتری که معمولاً در جامعه وجود دارد یا به آنها ارائه داده می‌شود؟

حکمت: اولاً اینطور نیست که همه مردم این را انتخاب می‌کنند. اگر همه آحاد یک جامعه را بگیریم

خیلیها ذینفع هستند در وضع موجود. شما نمی‌توانید سرلشکر ارتشی باشید که وظیفه‌اش این است کارگرها را در کارخانه محدود نگهدارد و روشنفکر را ساکت نگهدارد و جلوی نوشته شدن مقاله و حرف زدن را بگیرند و احزاب را خفه بکنند و ذینفع باشد در یک نظام عاقلانه‌ای که آدمها در آن آزادند. طرف از این راه دارد امتیازات خودش را تأمین می‌کند. در نتیجه بخشی از جامعه برای اقلیتی کاملاً ذینفع هستند در سیستم موجود و مقاومت می‌کنند برای اینکه امتیازاتشان را از دست بدهند اگر بخواهد عوض شود. ولی این را چه جوری مردم انتخاب می‌کنند؟ بنظر من راهش این نیست که ما راه بقیتم مثل یک دینی، مثل یک فرقه مذهبی یکی یکی در خانه مردم را بزیم و بشارتشان دهیم به این جامعه جدید. این روند سیاسی است. احزاب پیشرو پا به میدان می‌گذارند، برنامه‌شان را اعلام می‌کنند، یک حداقلی از نیرو گرد می‌آورند دور خودشان که بتوانند در این مبارزه سیاسی پیروز بشوند، بعد از این است که در این روند توده عظیم باور می‌آورند به یک چنین افقی و امکانپذیری آن. اگر فکر کنند که کمونیسم یک دینی است که دارد سعی می‌کند ارشاد کند و دستش به جایی بند نیست حُب کسی زندگی فعلیش را ول نمی‌کنند به هوای آن ارشاد و معتکف بشود در بارگاه سوسیالیسم. کمونیسم باید یک جنبش سیاسی زنده باشد که مردم می‌بینند این قدرت پیروز شدن دارد. می‌بینند این می‌تواند برای مثال در ایران به جنبش اسلامی فائق بیاید، جلوی راست غریبی، سلطنت طلبیها، محافظه‌کارهای ناسیونالیست، که دیدهایم چه جوامعی پیاده می‌کند، بر آنها فائق بیاید، می‌تواند با آمریکا، با غرب در یک مناسباتی قرار بگیرد که بتواند بقای خودش را حفظ کند، می‌تواند جامعه را اداره کند، می‌تواند در مقیاس وسیع جلوی طبقه حاکم قد علم بکند. اگر این را ببینند آنوقت است که حتی ناباورترین آدمها می‌گویند باشد این سیستم را امتحان می‌کنیم. اگر بنا باشد فقط ارشاد کنیم بنظر من جواب نیست. باید حزب سیاسی درست کنیم و باید در جنگ قدرت شرك کنیم. بنظر من کلیدش این است کمونیسم بعنوان یک

حزب زنده سیاسی که از وجناتش اینطور برمی آید که ممکن است بتواند پیروز شود اول خودش را مطرح کند. اگر این بشود آنوقت خیلی از این ناباورها جای خودش را به استقبال و پیوستن می‌دهد بنظر من.

ماجدی: حالا برویم سر آزادی، حقوق مدنی، حقوق انسانی. در این زمینه کمونیسم کارگری چه می‌گوید و چرا باید مردم انتخابش کنند؟

حکمت: بنظر من یک سؤال ساده‌ای هست که هر کسی به مقوله آزادی و آزادیخواهی فکر می‌کند باید برای خودش مطرح کند و جوابش را پیدا کند. و آن این است که اصلاً چرا اختناق و استبداد هست؟ چرا یک عده ذینفع هستند در اینکه حزب سیاسی نباشد، روزنامه دایر نباشد، کسی اجازه نداشته باشد هر چی می‌خواهد بگیرد، چرا جلوی آزادی بیان گرفته می‌شود اصلاً؟ مشکل چه است؟ دنبال همان حرفی که می‌زدیم جوابش ساده است. یک عده هستند از نظر اقتصادی آزادی به نفعشان نیست. اگر آزادی باشد که کارگرها متشکل شوند، احزاب چپ به وجود بیاید، ایده‌های جدید گفته شود، مردم خرافات را نقد کنند و غیره، پایه‌های این حاکمیت سرمایه‌داری و لغت و لیس که آن اقلیت در جامعه دارد می‌کند سست می‌شود. در نتیجه اختناق بخاطر بد اخلاقی یک دیکتاتور نیست که وجود دارد، بخاطر نیاز سرمایه و سرمایه‌داری و سود است. اولین سؤال اینجا جواب داده می‌شود. پس چه جریان اجتماعی، چه نیروی طبقاتی می‌تواند آزادی بیاورد؟ آن نیرویی می‌تواند آزادی بیاورد که جامعه‌اش به سود و استثمار و بهره‌کشی از دیگران مبتنی نباشد. ذینفع نباشد در ساکت کردن دیگران. ذینفع نباشد در جلوگیری از بیان آزادانه نظرات مردم و از ایده‌های جدید و غیره.

باز میرسیم به کمونیستها و سوسیالیستها و طبقه کارگر. طبقه کارگر، کمونیسم یک جامعه‌ای را می‌خواهد که کسی کسی را استثمار نکند و کسی آقا بالا سر دیگری نباشد. در یک چنین سیستمی، کارگر قرار نیست بیاید یک جامعه استثمارگر جدیدی بگذارد جای قبلی، قرار است یک سیستمی درست بکند که در آن استثمار نیست، کسی

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

به یاد عزیز منصور حکمت!

چهارم جولای سیزدهمین سالروز از دست دادن منصور حکمت است. او نظریه پرداز، پایه گذار و رهبر حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری بود و فقدانش جنبش کمونیستی و حزب ما را با یک خلاء پرشدنی مواجه کرد. نظرات و تئوریهای او نه تنها در سطح پایه ای و تئوریک، در نقد اسطوره بورژوازی ملی و مترقی، در نقد عمیق و اجتماعی تجربه شوری، تدوین برنامه یک دنیای بهتر، تئوری جنبشها، ترسیم تفاوت‌های کمونیسم کارگری از چپ سنتی، و مبانی فکری و نظری کمونیسم کارگری، بلکه در سطح مشخص تر و سیاسی تری نظیر نقد

ناسیونالیسم و فدرالیسم، نقد دموکراسی و نقد و تحلیل جنبش اسلام سیاسی هنوز زنده و مربوط به شرایط سیاسی در ایران و در جهان است. منصور حکمت نه تنها رهبر حزب بلکه نظریه پرداز و چهره و نماینده و سخنگوی کمونیسم امروز، یک کمونیسم اجتماعی، زنده و مدرن و دخالتر و عمیقاً انسانی بود. او همواره در مبارزه کارگران و توده مردم دنیا برای رهایی از سلطه سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم جایگاه برجسته ای خواهد داشت.

یاد عزیزش گرامی باد!

مضحکه دموکراسی در کردستان عراق

حکومت اقلیمی کردستان یک بحران انتخاباتی را از سر میگذراند ولی علت آن بر خلاف روال معمول دموکراسی های پارلمانی عدم کسب حد نصاب از طرف کاندیداها و یا شکسته شدن رای بین احزاب مختلف و غیره نیست. علت آنست که جناب رئیس جمهور دولت اقلیمی که با توافق با احزاب دیگر ناسیونالیست کرد بر مسند ریاست جمهوری تکیه زده نمیخواهد این پست را ترک کند! بعد از سرنگونی صدام بین دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد و آمریکا و متحدینش توافقاتی صورت گرفت و بر اساس آن ریاست جمهوری دولت اقلیمی به مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق رسید و ریاست جمهوری عراق به جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی. اکنون بعد از دو دوره مسعود بارزانی قانونا باید عوض شود اما او و طرفدارانش به بهانه های مختلف - از جمله تنگی وقت و نبودن بودجه کافی برای برگزاری انتخابات و غیره- خواهان تمدید دوره ریاست جمهوری بارزانی هستند. و این را بنا بر توافقات اولیه بین احزاب ناسیونالیست کرد حق خود میدانند. سخنگوی رسمی حزب دمکرات کردستان عراق میگوید: "نظر حزب دمکرات بارزانی این است که در شرایط فعلی کردستان عراق به شخص آقای بارزانی نیاز دارد ... حزب دمکرات معتقد است سمت ریاست اقلیم در مقابل سمت ریاست جمهوری عراق قرار دارد و چون ریاست جمهوری به اتحادیه میهنی کردستان واگذار شده است پس ریاست اقلیم سهم حزب دمکرات است و نامزد

اهمیت سیاسی رفراندوم یونان

همه کشورها، نود و نه درصدیهای جهان در قبال نسخه جهانشمول اقتصادی یک درصدیهای دنیا خواهد بود. انتخابات ماه ژانویه یونان نیز عملاً بر سر سیاست ریاضت کشی اقتصادی بود و سیریزا بعنوان نماینده مخالفت با این سیاستها به قدرت رسید. رفراندوم اخیر این مساله را صریحاً و رسماً به رای مردم میگذارد و از این نقطه نظر نشاندهنده قطعی شدن بیشتر جامعه حول مساله ریاضت کشی است. رای منفی مردم در این انتخابات میتواند فضای عمومی جامعه در یونان و در همه کشورهای اروپای واحد را یک گام دیگر به چپ سوق بدهد. همانطور که انتخاب سیریزا این نقش را ایفا کرد.

رفراندوم یونان به هر نتیجه ای منجر بشود بحران آن کشور را حل نخواهد کرد ولی اهمیت سیاسی آن به رای گذاشتن سیاستهای اعلام و دیکنه شده از جانب تروئیکا یعنی یک منبع و نهاد معتبر سرمایه داری جهانی است. برای اولین بار در یک کشور اروپائی سیاست ریاضت کشی اقتصادی که در همه کشورها، از آمریکا و کشورهای اروپای غربی تا آفریقای جنوبی و تا چین و هندوستان و جمهوری اسلامی و غیره بعنوان راه غلبه بر بحران سرمایه داری برسمیت شناخته شده و به اجرا گذاشته شده است به همه پرسى عمومی گذاشته میشود. رای منفی مردم یونان به این سیاستها مظهر و نماینده نظر و موضع توده های مردم

"آزاد اندیشی دینی" یک تناقض درخود است

تشویق کنند؟! گشت ارشاد بین المللی؟! مرکز جهانی نهی از منکر و امر به معروف؟! جمع کردن دیشهای ماهواره ای و فیلترینگ اینترنت در همه کشورها؟! ... نیازی به بحث و تعمق نیست. فقط اجازه بدهید تنها نوشته هائی از سر در دانشگاهها را که اخیراً یک از دوستان قدیمی برایم ایمیل کرده است در اینجا نقل کنم. بعنوان نمونه ای از "آزاد اندیشی دینی با رعایت اخلاقیات اسلامی" در قیاس با "فرهنگ غربی" که مقامات هر روز در مورد "هجمه" اش به یکدیگر همدار میدهند:

آینده مکانی نیست که به آنجا می رویم، جایی است که آن را به وجود می آوریم، راه هایی که به "آیند" ختم میشوند یافتنی نیستند، بلکه ساختنی اند و ساختن آن هم سازنده را، و هم مقصد را دگرگون میکند. نوشته بر سر در دانشگاه آکسفورد

خواهرم حجابت را و برادرم نگاهت را حفظ کن!
نوشته بر سر در دانشگاه شریف

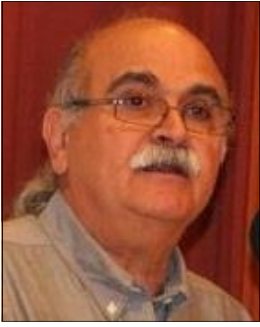
اخیراً رفسنجانی طی سخنانی در "نشست علمی اعضای حلقه دانش و فناوری شورای آزاد اندیشی دینی" بر "ترویج و توسعه آزاد اندیشی و آزادی بیان مبتنی بر تعقل و تدین؛ تشویق صاحب نظران و فرهیختگان کشور و جهان به آزاد اندیشی و ارایه آراء و اندیشه ها با رعایت مبانی و اصول اخلاقی اسلام ... " تاکید کرده است. این نوع اظهارات برای مردم ایران که در تجربه زندگی روزمره خود بخوبی معنی آزاد اندیشی دینی را دریافته اند تنها میتواند مایه طنز و تمسخر و جوکهای وایسری و اس ام اس ای باشد.

آزاد اندیشی دینی یک تناقض در خود است. آن هم در دینی مثل اسلام که برگشتن از دین و هر نوع شک و تردیدی در اصول دین را مستحق مرگ میدانند. ظاهراً رفسنجانی بعد از درماندگی حکومت متبوعش در تحمیل اخلاقیات اسلامی به مردم ایران به صرافت جهانیان افتاده است. معلوم نیست با چه ترفندی میخواهند "فرهیختگان جهان" را به "رعایت مبانی و اصول اخلاقی اسلام"

آنها نیز آقای بارزانی است!" این وضعیت حتی در مقایسه با سیستم های پارلمانی معمول بیشتر به یک جوك سیاسی شبیه است اما ریشه این جوك سیاسی سنتهای قومی و ناسیونالیستی نیست. این نوع بحران انتخاباتی خود ناشی از تلقی نظم نویسی از دموکراسی و جوامع موزائیکی است که کل حکومت عراق و لویا جرگه در افغانستان بر این مبنا شکل گرفت و بعنوان صدور دموکراسی به منطقه جار زده شد. دولت اقلیمی خود نتیجه مستقیم حمله نظامی آمریکا و متحدینش به عراق و ساخت و پاخت های سیاسی نه چندان پشت پرده در تقسیم قدرت در عراق بعد از صدام است. این نمونه ای از دموکراسی نظم نویسی در خاورمیانه است و لذا این وضعیت نیمه تراشیک- نیمه کمدی در انتخاب رئیس جمهور اقلیم کردستان نباید جای تعجب چندان داشته باشد.

جنبش اشغال اعلام کرد که آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید. اما آنچه در کردستان عراق میگذرد صدها قدم از صندوق رای عقب تر است. این تقسیم قدرت بین سران ایلات و عشایر است که به لطف لشکرکشی آمریکا و سرنگونی صدام به یک نرم سیاسی در عراق و سایر کشورهای بهم ریخته منطقه تبدیل شده است. پاسخ توده مردم و چپ جامعه به این وضعیت احیای پارلمان و صندوق رای نیست، اعمال ارده مستقیم مردم در سرنوشت سیاسی خود است. پاسخ، دموکراسی شورائی است.

یونان: شمارش معکوس آغاز میشود!



در پیش است چنین نیروی رادیکالی شکل بگیرد و بجلو رانده شود. در این روند سیریزا میتواند تجزیه شود و یا کلا به حاشیه رانده بشود. دولت فعلی ائتلافی تماما از هم پاشد و یا بخش چپ و رادیکال آن به جلو رانده بشود اما در هر صورت و به هر شکل شرایط برای سربرآوردن قطب چپ انقلابی در جامعه روز بروز مساعدتر میشود. رفراندوم خود میتواند شرایط را برای ابراز وجود چنین نیرویی بیش از پیش فراهم کند.

نتیجه رفراندوم هر چه باشد سرمایه داری یونان مستاصل تر و بی افاق تر و در عین حال رسوا تر و بی اعتبار تر از آن بیرون خواهد آمد. خروج از اتحادیه اروپا به سرعت چشم مردم را به این واقعیت خواهد گشود که مشکل اصلی نه صرفا سیاست ریاضت کشی و یا تروئیکا بلکه نظام و مناسبات سرمایه داری در خود یونان است. مردم درخواست یافت که سرمایه داران داخلی در واقع پای چهارم تروئیکا هستند. ادامه وضع موجود یعنی ماندن در اتحادیه اروپا و پیاده کردن کجدار و مریز سیاستهای ریاضت کشی نیز به سرعت مردم را به این نتیجه خواهد رساند که مساله راه حل تدریجی و مذاکراتی ندارد و باید مساله را از ریشه حل کرد.

بنابراین در پاسخ به سئوالی که ابتدای این نوشته مطرح شد باید گفت بله، شمارش معکوس آغاز شده است. اما شمارش معکوس به سمت رویگردانی هر چه بیشتر جامعه از نظام سرمایه داری و نهایتا تعیین تکلیف با سلطه یک درصدهای کاپیتالیست.

حمید تقوایی

کشمکش میتواند و باید به تعمیق و گسترش و ارتقای آگاهی و شعور عمومی جامعه از نقد ریاضت کشی به نقد سرمایه منجر بشود. رفراندوم اخیر همانند انتخاب سیریزا در شش ماه قبل حلقه ای از تعمیق مبارزه بین دو کمپ کار و سرمایه در یونان است.

چه باید کرد؟

آنچه از نظر سیاسی و در دل بحران موجود یونان میتواند و باید متحقق شود اساسا بر دو محور زیر متکی است: اول سوق دادن گفتمان و فضای عمومی جامعه از نقد ریاضت کشی به نقد کاپیتالیسم با اتکا به تجربه هر روزه مردم، و دوم سازمان دادن توده های مردم در تشکلهای نوع شورائی برای دخالتگری مستقیم در مقدرات سیاسی خود (تجربه جنبش اشغال در این جنبه میتواند آموزنده و رهنمود دهنده باشد).

باید نود و نه درصدیهای جامعه در سطح وسیعی بر این واقعیت واقف شوند که اولاً در برابر آنها تنها دول اروپائی و یا تروئیکا قرار ندارند بلکه اساس مساله مناسبات سرمایه داری و سلطه یک درصدهای صدهای سرمایه دار در خود یونان است. و ثانیاً خلغ بد از سرمایه داری نه از بالا و در دالانهای مذاکره با تروئیکا بلکه از پایین و با دخالت مستقیم کارگران و توده مردم در مراکز تولیدی و کارخانه ها و محلات و خیابانها صورت خواهد گرفت.

روشن است که این ریاکلیزه شدن جامعه خود به خود صورت نخواهد گرفت. تنها یک حزب کمونیست رادیکال و در عین حال دخالتگر و درگیر در مبارزات و کشمکشهای هر روزه در جامعه میتواند عامل و پیش برنده این سیاست باشد. این نیرو دولت سیریزا نیست اما باید امیدوار بود و این کاملاً امکان پذیر است که در روند تحولات اساسی که

دهندگان و رفراندوم را بی حاصل میدانند و تاکید میکنند که راه حل انقلاب علیه سرمایه داری است. در این تردیدی نیست که راه حل یونان - و هر کشور دیگر سرمایه داری - برای خلاصی از مصائب و مشکلاتی که توده کارگر و زحمتکش مردم، نود و نه درصدی های جامعه، با آن دست بگریبن هستند انقلاب یا به بیان دقیق تر خلغ ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار یا همان یک درصدیهای حاکم است. اما انقلاب از آسمان نازل نمیشود. مبارزه طبقاتی باید تعمیق و گسترش پیدا کند و بر سر بود و نبود حاکمیت سرمایه قطبی بشود. "نه مردم به بی حقوقی و فقر و بی تأمینی و بیکاری و غیره باید به نه"

به کل نظام سرمایه داری ارتقا پیدا کند و این تنها میتواند در روند مبارزه بدست بیاید. در جامعه یونان از شش ماه قبل که سیریزا بقدرت رسید کشاکش طبقاتی بر سر سیاست ریاضت کشی اقتصادی قطبی شده است. بقدرت رسیدن سیریزا، کش و قوسهای مذاکره با تروئیکا و اکنون اعلام رفراندوم مقاطعی از این روند کشمکش حول سیاست ریاضت کشی است. در این کشاکش ظاهراً دولت و مردم یونان در یکسو و اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی اروپا در سوی دیگر قرار گرفته اند. اما کشاکش واقعی در واقع بین کمپ کار و سرمایه است. بین خواستهای آمال برحق و انسانی توده مردم له شده زیر بحران اقتصادی و ملزومات کارکرد و سودآوری سرمایه است. از همین رو همانطور که گفته شد بحران یونان بطور در خود و در چارچوب رد یا قبول ریاضت کشی پاسخی ندارد. رفراندوم به هر نتیجه ای برسد بحران یونان و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن که مردم آن کشور را زیر فشار خودخرد کرده است پایان و حتی یک تخفیف و التیام نسبتاً پایدار نخواهد یافت چرا که مساله سودآوری سرمایه در یونان و تامین پیش شرطهای این سودآوری همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند. دقیقاً به همین دلیل این

رفراندوم به سیاستهای تروئیکا رای منفی خواهند داد و این هم کاملاً امکان دارد که دولت سیریزا بتواند از این امر به نفع مواضع خود در مذاکرات استفاده کند ولی این به معنی حل و یا حتی تخفیف بحران یونان نخواهد بود.

ریشه بحران یونان سیاست ریاضتی و ناتوانی دولت یونان در بازپرداخت وامهایش نیست. اینها جزو عوارض مساله است. مساله اصلی سیستم اقتصادی ای است که برای نجات خود به سیاست ریاضت کشی احتیاج دارد یعنی نظام سرمایه داری بحرانزده در یونان. یعنی حکومت یک درصدیها در یونان و در اروپای واحد.

در دهساله اخیر یونان بعنوان یکی از ضعیف ترین اقتصادهای عضو اتحادیه اروپا به موش آزمایشگاهی سیاستهای "اصلاحات" اقتصادی نتولیرالی تبدیل شده است. زدن از خدمات عمومی، بیمه ها، درمان و آموزش و غیره، مقررات زدائی و باز گذاشتن دست بازار در تعیین قیمت ها و دستمزدها و کل شرایط فروش نیروی کار، افزایش مالیات سرانه و دادن تخفیفهای مالیاتی به سرمایه داران و غیره از اجزای این "اصلاحات" است و اقتصاد یونان با بهره وری و ترکیب ارگانیک پائین سرمایه و عقب ماندگی تکنولوژی تولیدی اش نسبت به بقیه اعضای اتحادیه اروپا ناگزیر است برای نجات سرمایه از بحران این جام زهر "اصلاحات" را تا ته و لاجرعه سر بکشد! اما این راه حل نه تنها تا کنون حتی از نقطه نظر کارکرد سرمایه مشکلی را حل نکرده است بلکه حاصلی بجز گسترش دزدی و فساد مالی در میان بالائی ها و گسترش فقر و فلاکت و گرانی و بی تأمینی اقتصادی و نرخ بیکاری بالای ۶۰ درصد برای کل جامعه در بر نداشته است. سئوال اینست که در این میان رفراندوم کجای تصویر قرا میگیرد و جامعه را به کدام سمت میراند؟

انقلاب یا رفراندوم؟

برخی از منتقدین چپ سیریزا در خود یونان و خارج آن، مذاکره با وام

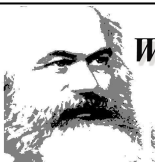
بسیاری بن بست مذاکرات بین دولت یونان و اتحادیه اروپا و اعلام رفراندوم را آغاز شمارش معکوس خوانده اند. اما شمارش معکوس به چه سمتی؟ به سوی خروج یونان از اتحادیه اروپا؟ استعفای دولت سیریزا؟ و یا ..؟

مقامات اتحادیه اروپا و تروئیکا که همچنان بر اجرای سیاستهای ریاضت کشی پافشاری میکنند رفراندوم را عملاً یک همه پرسی بر سر ماندن یا نماندن یونان در اتحادیه اروپا میدانند. و یا لاقلاً اینطور تبلیغ میکنند تا مردم یونان را از رای منفی باز بدارند. میدانند اکثریت مردم یونان خواهان باقی ماندن یونان در حوزه یورو و اتحادیه اروپا هستند و امیدوارند با ترساندن مردم از خروج از اتحادیه اروپا نتیجه رفراندوم را به رای مثبت به سیاستهای ریاضت کشی تغییر بدهند. از سوی دیگر سیپراس نخست وزیر یونان اعلام کرده است اگر نتیجه رفراندوم مثبت باشد به رای مردم احترام خواهد گذاشت ولی مجری سیاستهای تروئیکا نخواهد بود. عبارت دیگر رای مثبت به معنی استعفای دولت سیریزا خواهد بود.

بر مبنای این نوع تحلیلها و تبلیغات یونان اکنون در آستانه این انتخاب قرار گرفته است: خروج از اتحادیه اروپا و یا استعفای دولت؟ و ظاهراً شمارش معکوس ناگزیر میباشد به یکی از این دو نتیجه ختم بشود. اما واقعیت چیز دیگری است.

ریشه بحران یونان

دولت سیریزا با پرچم نه به ریاضت کشی اقتصادی روی کار آمد و رفراندوم هم بر سر نفی و یا قبول بسته جدید ریاضت کشی پیشنهادی تروئیکا است. دولت یونان قصد دارد با اتکا به رای منفی مردم پیشنهادات جدید تروئیکا را کنار بزند و از موضع قدرتمند تری پای میز مذاکرات برود. این را سیپراس نخست وزیر یونان صریحاً اعلام کرده و به همین دلیل از مردم خواسته است رای منفی بدهند. به احتمال بسیار مردم یونان در این



WE STILL NEED MARX

TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

آلترناتیو کمونیسم کارگری

از صفحه ۴

ذینفع نیست در بهره کشی دیگران برای اینکه نمیتواند مالک چیزی باشد که سرمایه‌اش باشد. همه سرمایه مال جامعه است مردم هم شهروندان آزادند. در نتیجه کمونیسم و سوسیالیسم است که ذینفع است بطور واقعی در آزادی بیان، در آزادی احزاب در اینکه افراد هر چه میخواهند بگویند. برای اینکه جلوگیری از حرف زدن مردم قرار نیست مبنای حاکمیت یا مبنای بقای نظام اقتصادی باشد.

این اولین سؤال است. اگر برای مثال کسی بگوید "من نماینده سرمایه صنعتی هستم یا سرمایه غریب را نمایندگی میکنم یا ما تجار بازار هستیم، ما طرفدار آزادی بیان هستیم"، سؤالی که من از او میکنم این است شما اگر راست میگویید اولاً چرا جامعه شما تاکنون یک چنین شکلی را به دست نداده، در ایران بخصوص. ثانیاً اگر شما طرفدار آزادی بیان هستید و فردا فلان رهبر کارگری گفت ما حقم را میخواهیم، دست از کار میکشیم، اعتصاب میکنیم، اتحادیه تشکیل میدهم، شورا تشکیل میدهم، یعنی شما منظورتان این است میگذازید که این بیاید حرفش را بزند، نیرویش را بسیج کند، کارگرا را متحد بکند و مزدش را بگیرد؟ و بعد فکر نمیکند کارخانه‌دارها جمع میشوند و میروند با آمریکا تماس میگیرند، دم‌ارتش را میبینند و یک کودتا میکنند علیه کسی که این حرف را بزند؟ تا وقتی سرمایه هست آزادی در خطر است. تا وقتی سرمایه هست آزادی بیان یک صورت ظاهر است که هر موقع بخواهند میتوانند نقضش کنند. بارها دیده‌ایم حکومت‌های نیمچه لیبرال و نیمچه دموکراتیک در کشورهایی که دو سال سر کار بوده، تا اعتصابات بالا گرفته و جنبش دانشجویی پر و بال گرفته تا روزنامه‌ها شکوفا شدند یک ژنرال، یک ارتشی، یک کسی کودتا کرده برگشتند به وضع سابقش برای اینکه سرمایه برایش صرف نمیکند. یک جاهایی مثل اروپای غربی که نوعی دموکراسی هست بخاطر این است که جهان تقسیم شده است، طرف استبداد و دیکتاتوری خودش را در

کشورهای جهان سوم نشان میدهد از این طریق به یک درجه سوسیال سیاسی و فرهنگی میدهد به جامعه خودش. اگر بنا باشد اقتصاد آنجا هم به آن تنگنا دچار شود اینها هم دست کمی در سرکوب ندارند. اعتصابات معدنچیان انگلیس برای مثال نمونش است. طرف میخواست از شهر خودش ششصد کیلومتر آنطرفتر برود که پیوند به اعتصاب معدن در چند صد کیلومتر آن طرفتر در خانه‌اش به هیچ دلیلی توقیفش میکردند. ماشین تبلیغاتی حکومت را گذاشته بودند پشت سر فحاشی و سمپاشی علیه معدنچیان و رهبرانشان. در نتیجه استبداد جزئی از سیستم سرمایه‌داری و نقطه مقابلش آزادی و حقوق مدنی شرط لازم تحقق یک جامعه آزاد و سوسیالیستی است.

ممکن است به ما بگویند خُب در نظام شوروی یا چین اینها پیاده نشده. این را بنظر من شنونده‌های شما باید بدانند. این نظامها کمونیستی نبودند. جامعه شوروی با یک انقلاب کارگری شروع شد ولی این انقلاب کارگری در ظرف ده سال عملاً حکومت دست نیروهای ناسیونالیست و ملی افتاد که میخواستند یک نوع اقتصاد جدید سرمایه‌داری مبتنی به کار مزدی را دوباره راه بیندازند. چین هیچوقت یک جامعه سوسیالیستی نبوده. آن موقع مارکسیسم و کمونیسم زیر پرچمش میشد کارگرا و زحمتکشها را متحد کرد برای اهداف سیاسی. و خیلی جنبشهایی که نهایتاً و ماهیتاً کمونیستی نبودند این پرچم را گرفتند. کما اینکه الان هم دموکراسی مد است خیل‌ها به خودشان میگویند دموکرات، حتی فاشیستها هم به خودش میگویند دموکرات. آن موقع، اواسط دهه قرن بیست کمونیسم اینقدر معتبر است که همه جنبشهای ملی، جنبشهای کشورساز، جنبشهای ناسیونالیستی، جنبشهای طرفدار دولتیگرایی اقتصادی اسم خودشان را سوسیالیستی میگذاشتند و کار میکردند. در نتیجه اینها را نباید پای کمونیسم نوشت.

جامعه سوسیالیستی که ما از آن حرف میزنیم یک جامعه باز و آزاد است که هر کسی حق دارد هر حرفی میخواهد بزند. بالاخره حرف زدن حق بشر است یک بار دنیا می آید هر

حرفی دارد باید بتواند بزند. هیچکس اجازه ندارد برود جلو دهان کسی را بگیرد. این فرض ما است و فکر میکنم جامعه سوسیالیستی متحققش میکند و فکر میکنم تنها جریانی که در صحنه سیاسی ایران از یک چنین آزادی بی قید و شرط و نبود مطلقاً هیچ جور شرایطی روی اندیشه و بیان دفاع میکند حزب کمونیست کارگری است. شما بروید پای صحبت احزاب سیاسی بنشینید فوری شروشان را به شما میگویند؛ به شرطی که به مقدسات ملی توهین نشود، به مقدسات مذهبی توهین نشود، با فرهنگمان جور در بیاید، سنن ملی و آداب و رسوم را نشکنیم، حکومت را بی ثبات نکنیم. و اوضاع فوق‌العاده اعلام میکنند بمجرد اینکه یک ذره احساس کنند موقعیشان در خطر است. حتی همین آدمهایی که الان قول گشایش سیاسی میدهند اوضاع فوق‌العاده اعلام میکنند، کودتا میکنند. جناح اصلاح طلب حکومت که دیگر اصلاً مسخره است اینها حتی وعده آزادی بیان نمیدهند چه برسد که بگویم متحققش نمیکند. یک نوع نظام اسلامی استبدادی میخواهند که دستهای خونینش را هر چند وقتی با یک دستمال پاک کرده باشد. این را میخواهند.

جوادی: به یک طرف دیگر قضیه پردازیم. در رابطه با صف‌اپوزیسیون که نگاه میکنیم راه‌های معینی وجود دارد. بحث حقوق بشر هست و اینکه ما طرفدار بیانیه حقوق بشر هستیم و این را پرچم خودشان کرده‌اند. تفاوت‌های مطالباتی که حزب کمونیست کارگری در این زمینه دارد و تشابهاتش با بیانیه حقوق بشر چه است؟

حکمت: بیانیه حقوق بشر اساسش این است که مالکیت را به رسمیت میشناسد و از حق مالکیت بر وسایل تولید دفاع میکند. فرض این است که جامعه مبتنی بر بازار است، فرضش این است که جامعه سرمایه‌داری است. شما بیانیه حقوق بشر را که میخوانید میبینید که دارد راجع به حقوق مدنی در یک جامعه سرمایه‌داری حرف میزند. بحث ما این است که به همین دلیل حقوق مدنی روی کاغذ میماند. برای نود درصد مردم جهان حتی یک شکل نیمچه ملموسش هم متحقق

نمیشود. ده تا کشور در اروپای غربی یک درجه‌ای دموکراسی و تولرانس و تحمل هیأت حاکمه‌اش نشان میدهد نود درصد مردم جهان در حکومت‌های استبدادی شرکت میکنند و کلاً اقتصاد جهانی سرمایه‌داری از این طریق زندگی میکند. بحث ما این است آنچه که بیانیه حقوق بشر وعده میدهد یک گوشه کوچکی، یک سایه‌ای از آن وسعت آزادی‌هایی است که سوسیالیسم تضمین میکند. سؤالی که هست همانطور که گفتم این نیست که کی چه وعده‌ای میدهد. سؤال این است که کی بنا به اقتضای موقعیت اجتماعی و موقعیت اقتصادی جنبش خودش میتواند این را متحقق کند. من از کسی که میخواهد به من مزد بدهد تا برایش کار کنم وعده‌اش را مبنی بر اینکه به من آزادی میدهد قبول نمیکم. چون اگر من مزد بیشتر بخواهم ایشان مجبور است سرکوب کند. به همین سادگی است فرمولی که این پشت است. هر جا کارگرا بخواهند دستمزدشان را یک حلی ببرند بالا که سود طرف مجبور شود بیاید پایین، ایشان یک راهی پیدا میکنند که جلوی این اعتصاب و تشکل را بگیرد. ولی همینطور محدود فکر نکنید. اگر کارگرا بخواهند آگاه بشوند به اینکه جهان جور دیگری میتواند باشد، اگر بخواهند ریشه مذهب را در محیط اجتماعی خودش و محیط خانوادگی بزند، اگر بنا باشد زن و مرد برابر باشند، اگر بنا باشد آزادی نقد وجود داشته باشد به باورهای قلمی و خرافی و سنن ملی و مذهبی، همه اینها ثبات طبقه حاکمه را به خطر میاندازد و نهایتاً خودش را توی کاهش سودش نشان میدهد. آحاد بشر به درجه‌ای که این غل و زنجیر را از روی شانهایشان بیندازند مفت برای کسی کار نمیکند.

در نتیجه نو آوری، پیشرو بودن فکری، همه اینها به درجاتی سرکوب میشود. در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری هم سرکوب میشود فکر نکنید این فقط در ایران است که جلوی برای مثال انتقاد به مذهب را میگیرند. در کشورهای غربی هم جلوی انتقاد مذهب را میگیرند. شما اگر معلمی باشید دو دفعه علیه عیسی مسیح منبر بروید سر کلاستان فردا کارتان را از دست میدهند. به این سادگی نیست. یا شما بعنوان یک روزنامه‌نگار بیایید

در جنگ آمریکا با عراق بگویید چرا بمب میاندازد توی بغداد آدمهای بیگانه را میکشید، کار خودتان را از دست میدهند. یا اگر بگویید بالاخره کسی را بخاطر بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی در هیچ محکمه بین‌المللی جنایت جنگی نشانند یا نه؟ این آدم معلوم نیست چه بلایی به سرش بیاید در آمریکا یا اروپای غربی. این جامعه‌ای است که اینها دارند.

بنظر من باید از کسی که دنبال سود است وعده آزادیخواهیش را قبول نکرد. کسی میتواند آزادیخواه باشد که حاضر باشد انسانها در قلمرو اقتصاد فوراً ترجمه میشود به نابرابری سیاسی، و منی که به نابرابری سیاسیم اعتراض کنم طرف قدرت دولتی دارد و سرکوب میکند. درجات مختلف دارد ولی همه جا همینطور است.

ماجدی: ما راجع به رفاه و سعادت و رفاه اقتصادی و اجتماعی صحبت کردیم تا آنجایی که صحبت کردیم. مقوله بعدی که مطرح است برابری است رفع تبعیض است بین زن و مرد بین ملیتها و نژادها، در این مورد کمونیسم کارگری چه میگوید؟ حکمت: اساس کمونیسم رفع تبعیض است. یعنی فرض کل اندیشه کمونیستی این است که انسانها برابرنند مستقل از رنگ، نژاد، جنسیت، سن، آدمها با هم برابرند، حقوق یکسانی باید داشته باشند و نه فقط حقوق یکسانی باید داشته باشند باید در موقعیت یکسانی برای تحقق آرزوهایشان قرار داشته باشند. ممکن است من و شما در آمریکا حق داریم رئیس جمهور بشویم ولی شصت میلیون فقط پول تبلیغات این میشود که یک نفر برود کاندید ریاست جمهوری شود و شانس رأی آوردن داشته باشد. خُب هر کس شصت میلیون دلار دارد حتماً میتواند خودش را کاندید کند ولی نمایانم چند نفر در آمریکا بنابراین حق دارند رئیس جمهور بشوند. گفتم نمونه‌های زیادی هست. تا این لحظه در آمریکا یک زن رئیس جمهور نشده یا یک سیاهپوست حتی جرأت نکرده خودش را کاندید کند. اینها همه واقعیتی را دارد میگوید یعنی این آدمها در موقعیت برابری نیستند در

آنترناتیو کمونیسم کارگری

از صفحه ۷

جامعه برای اینکه از حقوق سیاسی اسمی که میگویند همه دارند استفاده کنند. بحث حزب کمونیست کارگری و بحث کمونیسم بطور کلی برابری - هم فرمال و هم سیاسی - هم در قوانین و هم در محیط اجتماعی است جوری که هر کسی از یک موقعیت اجتماعی مشابهی برای تحقق آرزوهایش و استعدادهایش برخوردار باشد.

جواد: راجع به برابری اقتصادی صحبت کردیم. برخی در رابطه با این مسأله مطرح میکنند که آدمها برابر نیستند، کار برابر نمیکند، شرایط برابر ندارند، استعدادهای متفاوتی دارند چرا باید در یک محصولی که بوجود می آید برابر برداشت کنند؟

حکمت: برابر برداشت نمیکند. برابر برداشت کردن یعنی اینکه همه برای مثال دو کیلو برنج بردارند ببرند، یا همه برای مثال یک تلویزیون بیست و پنج اینچ بردارند ببرند. منظور از برابری این نیست. در کمونیسم منظور این است که هر کسی در موقعیت مشابهی باشد برای برآورده کردن نیازهایش. آدمها به همین دلیل که خواستههایشان یکی نیست در نتیجه آن چیزی که از جامعه برداشت میکنند یکی نخواهد بود. ما معتقد نیستیم آدمها باید یکسان و یک شکل باشند. برعکس، میگویم تنوعها و تفاوتها باید بتواند بطور یکسانی متحقق بشود. شما میخواهید نقاش

باشید و دوست دارید نقاش باشید باید بتوانید نقاش باشید، یک نفر میخواهد پزشک باشد باید بتواند این کار را بکند. آدمها باید بتوانند تفاوتهایشان را متحقق کنند و بتوانند خودشان باشند. اتفاقاً سیستم سرمایه داری است که آدمها را یکدست میکند، یکسان میکند. به همه ما یک نوع غذا میدهد، یک نوع لباس تنمان میکند، یک زندگی را از همان اول کار میگذارد جلوی هممان، سناریوی آن تقریباً با هم مشابه است. بسته به این که در خانواده فقیر یا خانواده کارگری به دنیا آمده باشید یا غیره یک آینده ای برایتان ترسیم کرده از پیش و شما هم تقریباً با استثنائاتی، همه همین را دنبال خواهند کرد. سوسیالیسم دقیقاً برعکس این است نمیخواهد آدمها را یکسان یا یک شکل بکند، میخواهد بگذارد در موقعیت برابری برای اینکه هر چه خودشان فکر میکنند خودشان فکر میکنند هستند را متحقق کنند و استعدادهایشان را شکوفا کنند. این ابداً صحبت همشکلی نیست، صحبت یکی بودن حقوقشان، برابر بودن موقعیتشان است.

ماجدی: یک سوالی که بکرات مطرح میشود در جلسات مختلف سخنرانها یا برای رادیو انترناسیونال فرستاده شده این است که اگر کمونیسم کارگری در ایران به قدرت برسد، وقتی که به قدرت برسد، چطور می تواند با حملات غرب، دولتهای غربی و آمریکا روبرو بشود؟ مسأله بمب ریختن و تلاش برای اینکه آن نظام سرنگون شود. دیدیم که آمریکا و دولتهای غرب و ناتو این را در جاهای

مختلفی انجام داده اند. پاسخ شما به اینها چه است؟

حکمت: اولاً بین کمونیسم کارگری با آن چیزی که بعنوان چپ شرقی قدیم مرسوم بوده باید فرق گذاشت. از نظر فرهنگی، از نظر افق اجتماعی، از نظر ایده آلهای سیاسی ریشه های تاریخی کمونیسم کارگری در غرب است، در سوسیالیسم کارگری اروپا است. در نتیجه ما داریم راجع به این حرف میزنیم که یک روند و یک گرایش انقلابی و سوسیالیستی غربی در ایران می آید سر کار. عقاید مارکس است، عقاید انگلس است، ایدئولوژی کمونیستی کارگر صنعتی اروپایی غربی است. این صحبت ناسیونالیسم برای مثال چینی نیست که حالا جلوی غرب قد علم کرده یا جنبش اسلامی که جلوی غرب مسیحی قد علم کرده باشد. صحبت یک نگرش دیگری است که ریشه هایش در تاریخ مدنیت غربی است به این معنی که در مقابل سرمایه داری قد علم کرد. در نتیجه آن شکافی که یک نفر ممکن است فکر کند جنبش اسلامی از نظر فرهنگی با فرهنگ مسلط در غرب دارد را کمونیستها ندارند. ممکن است بعضی کمونیستهای بلوی داشته باشند، کسانی که ما به آنها نمیگوییم سوسیالیست، ولی کمونیسم کارگری یک جنبش مدرن است. ریشه هایش در تاریخ مدنیت غربی است. ریشه هایش در پیدایش کارگر صنعتی و جامعه مدرن صنعتی است. در نتیجه به یک معنی تحریکات فرهنگی علیه جامعه ای که حزب کمونیست کارگری در آن سر کار آمده باشد عملی نیست.

این یک جامعه باز است که شهروند اروپایی و آمریکایی این را کاملاً میتواند درک کند. اینطوری نیست که بگویند این رازآلود است، معماً گونه است، فرهنگ خودشان است، ما نمیدانیم، در نتیجه بتوانند یک هیولا از آن بسازند. هر کسی میتواند بیاید قدم بزند در تهران سوسیالیستی و ببیند این مردم دارند چه جوری زندگی میکنند، چه جور آهنگی گوش میدهند، چه جشنهایی میگیرند، چه جوری درس میدهند، چه جوری درس میخوانند و مناسبات فردی آنها چه هست. در نتیجه برای طبقات حاکم در غرب خیلی دشوار است که از جامعه سوسیالیستی ایران در یک نظام کمونیست کارگری شیطان سازی کنند. یعنی افکار عمومی در غرب یکی از حمایتهای ما است. که میگویند این یک جامعه آزاد است. ثانیاً جنبش بین المللی طبقه کارگر است که ما باید سعی بکنیم از آن روی آن کار کنیم که بسیج شود. اینطور نیست که اگر طبقه حاکمه آمریکا یا اروپای غربی هر کاری بخواهد میتواند بکند. به این سادگی نیست.

یک جامعه باز، آزاد، که در بسته نباشد، پشت دیوار آهنین نباشد، یک جامعه مدرن، یک جامعه انسانی که قابل رؤیت است توسط جهان غرب، بنظر من خیلی واکسینه است در مقابل تحریکات میلیتاریستی جناحهای راست در جامعه غربی. من به این یک مقدار خوشبین هستم و فکر میکنم دشوار است. نمیتواند به ایران بگوید حکومت صدام حسین یا به آن

بگوید لیبی شده است، چون همه خبرگزاریهای بین المللی آنجا هستند دارند نشان میدهند این کشور متمدن و برابر و آزاد است. جایی که مجازات اعدام را لغو کرده و برابری زن و مرد را اعلام کرده، بهداشت را حق همه دانسته، آموزش و پرورش را مجانی را برای همه گذاشته، ترانسپورت را مجانی کرده که هر کسی هر جای شهر میخواهد برود. به این سادگی نمیشود به این جامعه حمله کرد. یک جامعه درسته نیست که از آن هر تصویری بدهید. این آزادی و باز بودن بیشترین سرمایه ما است در مقابله با غرب. با اضافه اینکه از نظر دیپلماتیک ما با آنها سرشاخ نخواهیم شد. خیلی روشن انقلاب در این کشورها وظیفه طبقه کارگر آن کشورها است و ما هر کمکی بخواهیم در این چهارچوب میکنیم. ولی حزب کمونیست کارگری در یک حکومت سوسیالیستی قرار نیست علیه جهان غرب و علیه هیأت حاکمه غرب و ناتو تحریکات بکند و به جنگ بکشاند. باید یک روش عاقلانه داشت. باید جامعه خود را ساخت. باید آزادی را آنجا متحقق کرد و الگویی داد که مردم جهان واقعاً به شوق بیایند و بخواهند در کشور خودشان هم پیاده کنند. این عملی است.

اصل این مصاحبه شفاهی است. این متنی است که توسط دنیس میر (آزاد) از روی نوار پیاده شده است.

معلمان در مقابل زندان اوین دست به تجمع زدند

اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان، تلاش حکومت برای مقابله با اعتراضات رو به رشد معلمان است و باید با عکس العمل اعتراضی گسترده پاسخ گیرد. خواست افزایش حقوقها به رقمی بالاتر از خط فقر و تحصیل رایگان برای همه دو خواست مهم معلمان است که خواست دهها میلیون نفر از مردم است. بعلاوه اعتراض معلمان در ماههای گذشته راه مبارزه سایر بخش های جامعه را هموارتر کرده و با استقبال گرم کلیه مردم معترض و جان به لب رسیده مواجه شده است. دستگیری هر معلمی نیز باید با همبستگی وسیع و فعال مردم با خواست ها و تجمعات اعتراضی معلمان همراه شود.

اسماعیل عبدی و سایر معلمان زندانی رسول بداغی، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی، محمود باقری و عبدالرضا قنبری باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. کلیه کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ ژوئن ۱۳۹۴، ۲۰۱۵

کرده بودند. معلمان در ساعت ۶ بعد از ظهر به تجمع خود پایان دادند تا بعداً در مورد ادامه اعتراض تصمیم گیری کنند. امروز همچنین جمعی از معلمان به نشانه حمایت و همبستگی با اسماعیل عبدی، با خانواده او دیدار و گفتگو کردند.

عکس العمل بموقع معلمان به احضار و بازداشت اسماعیل عبدی و تنها نگذاشتن او موقع معرفی به دادسرا، اقدامی بسیار هوشیارانه و قدمی به پیش در مبارزات تا کنونی معلمان است. این تاکتیک مبارزاتی را باید به تاکتیک همه فعالین کارگری و سیاسی که احضار میشوند بکار گرفت. جمهوری اسلامی باید بداند که هر حضاری با مقابله فوری همکاران و خانواده های آنها مواجه میشود. جمهوری اسلامی باید بداند که هر حضار و بازداشتی برایش سنگین تمام میشود و به نیروی محرکی برای به میدان آمدن بیشتر مردم تبدیل میشود.

اسماعیل عبدی بخاطر مبارزاتش برای خواسته های برحق معلمان احضار و زندانی شده و باید مورد وسیعترین پشتیبانی از جانب معلمان و خانواده های آنها و کلیه مردم قرار گیرد. دستگیری

بنا بر گزارشات دریافت شده امروز شنبه ۶ تیر اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران که برای پیگیری حکم ممنوع الخروج بودنش از کشور، به دادسرای اوین مراجعه کرده بود، پس از ساعتها بازجویی بازداشت و روانه زندان شد. در عکس العمل به این مسأله معلمانی از شهرهای مختلف تهران، مریوان، همدان، مشهد، کرج، زاهدان، رودهن، ملارد، شهریار، قلعه حسن خان، تاکستان و ... که تعداد آنها به بیش از هفتاد نفر میرسید در مقابل اوین دست به تجمع زدند.

طبق این گزارش تعدادی از معلمان شهرهای مختلف که قرار گذاشته بودند، اسماعیل عبدی را همراهی کنند، با شنیدن خبر بازداشت او در مقابل زندان اوین تجمع کردند. یکی از معلمان به اسم زینا زاده که به عنوان نماینده معلمان به درون زندان رفته و با بازجوها و اسماعیل عبدی صحبت کرده بود در میان معلمان حاضر شد و گفت به بازجوها از طرف معلمان گفته است چنانچه بازداشت عبدی ادامه یابد، معلمان با جمعیت بیشتری دست به تجمع خواهند زد و مقامات زندان نیز تهدیدات همیشگی خود را

اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران بازداشت شد

تجمع اعتراضی در حمایت از اسماعیل عبدی در مقابل زندان اوین

اطلاعیه شماره: ۲۴۱

بنا بر گزارشات دریافت شده روز شنبه ۶ تیر اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران که برای پیگیری حکم ممنوع الخروج بودنش از کشور، به دادرسی اوین مراجعه کرده بود؛ پس از ساعتی بازجویی بازداشت و روانه زندان شد.

در این روز تعدادی از معلمان که قرار گذاشته بودند، اسماعیل عبدی را همراهی کنند، نزدیک هتل آزادی زیر پل جلوی هتل گرد آمدند. اسماعیل عبدی و بهلولی به زندان اوین رفتند و باقی معلمان که تعدادشان بیش از ۷۰ نفر بود و از تهران و شهرهایی چون مریوان، همدان، مشهد، کرج، زاهدان، رودهن، ملارد، شهریار، قلعه حسن خان، تاکستان و... بودند، به پارک ۸ دی رفته و منتظر ماندند. ساعت ۳ بعد از ظهر توسط آقای بهلولی به معلمان اطلاع داده شد که اسماعیل عبدی بازداشت موقت شده است. معلمان بعد از گفتگو بر سر این موضوع به سمت زندان اوین رفته و در آنجا مستقر شدند. آنها ۵ نفر را به نمایندگی از طرف خودشان به بالا فرستادند و بعد از حدود نیم ساعت، قرار شد یکی از معلمان به اسم زینالزاده به عنوان نماینده معلمان از تهران و شهرستانها به درون زندان برود. پس از نیمساعت زینالزاده به میان معلمان برگشته و گزارشی از صحبت هایشان با اسماعیل عبدی و بازجوها را به جمعیت دادند. در این ملاقات زینالزاده اعلام کرده بود که این جمع نمایندگان معلمان از تهران و شهرستانها هستند و اگر بازداشت ادامه یابد با جمعیت بیشتری خواهند آمد. بعد از آن در ساعت شش بعد از ظهر معلمانی که در مقابل اوین جمع شده بودند، تصمیم گرفتند به تجمع خود خاتمه دهند و



برای ادامه اعتراضشان بعدا تصمیم گیری لازم را انجام دهند. گفتنی است که جهت شرکت در این تجمع اعتراضی از شهرهای بسیار دیگری معلمان در تدارک سفر بودند و بلیط تهیه کرده بودند، اما بدلیل فرصت کوتاهی که داشتند نتوانستند خود را به موقع به تهران برسانند.

به گزارش صفحه فیس بوکی حقوق معلم، حقوق کارگر در بعد از ظهر این روز پس از بازداشت اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران در زندان اوین، جمعی از معلمان به نشانه حمایت و همبستگی با خانواده وی دیدار و گفتگو کردند. اسماعیل عبدی روز یکشنبه ۳۱ خرداد هنگامی که قصد سفر به ارمستان را داشت، پاسپورتش را ضبط و از خروجش جلوگیری شده بود. پیرو این موضوع او روز سوم تیرماه برای پیگیری موضوع به معاونت قضایی دادستانی کل کشور مراجعه کرد. در آنجا طی نامه ای از جانب دادرسی زندان اوین از وی خواسته شد که به زندان اوین مراجعه کند. به گفته یکی از ماموران معاونت قضایی نامه مربوطه ظاهرا مربوط به بند سپاه پاسداران و از سوی وزارت اطلاعات بوده است. عکس العمل به موقع معلمان در قبال احضار اسماعیل عبدی، همراهی معلمان با او حمایت و

پشتیبانی از وی اقدامی بسیار هوشیارانه و قدمی به پیش در مبارزات تاکنونی معلمان است. معلمان در این حرکت اعتراضی بدست اعلام کردند که اگر بازداشت اسماعیل عبدی ادامه یابد با جمع بزرگتری تجمع خواهند کرد. این تاکتیک مبارزاتی را باید به تاکتیک همه فعالین کارگری و سیاسی که احضار میشوند بکار گرفت.

اسماعیل عبدی بخاطر مبارزاتش برای خواستهای برحق معلمان احضار و زندانی شده است. جمهوری اسلامی معلمان معترض را زیر فشار قرار میدهد، تا اعتراضات رو به رشد معلمان را عقب بزند. اسماعیل عبدی باید مورد وسیعترین حمایت و پشتیبانی قرار گیرد. عکس العمل اعتراضی گسترده به این سرکوبگرها و آزادی فوری اسماعیل عبدی يك قدم مهم در پیشروی جنبش اعتراضی معلمان است. این قدم را باید گسترده و قدرتمند به جلو برداشت. امروز معلمان بیش از هر وقت به حمایت همه مردم، خصوصا خانواده های دانش آموزان نیاز دارند. خواست افزایش حقوقها به رقمی بالاتر از خط تورم و تحصیل رایگان برای همه دو خواست مهم معلمان، خواستهای کل جامعه است و به سرنوشت کودکان این جامعه و میلیونها مردمی که با مشکل تحصیل فرزندانشان روبرویند، مربوط است، معلمان را در این اعتراضات وسیعا حمایت کنیم. خواستار آزادی فوری اسماعیل عبدی و همه معلمان زندانی رسول بدای، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی، محمود باقری، عبدالرضا قنبری بشویم.

اطلاعیه شماره: ۲۴۲

به گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز چهارشنبه ۳ تیر رضا امجدی و فردین میرکی دو فعال کارگری شهر سنجند که برای پیگیری و اطلاع از حکم پیرونده شان به دادگستری استان کردستان مراجعه کرده بودند از طرف شعبه ۴ اجرای احکام دادگستری این شهر دستگیر و روانه ی زندان مرکزی سنجند شدند.

رضا امجدی در روز ۵ اردیبهشت ۹۴ توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت و بعد از ۱۵ روز با وثیقه ۳۰۰ میلیونی آزاد شده بود. همچنین فردین میرکی در روز ۱ آذر ۹۳ توسط نیروهای امنیتی دستگیر و بعد از ۲ ماه بازداشت با وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد گردید. رضا امجدی در شعبه ۱ دادگاه انقلاب به اتهام عضویت در کمیته ی هماهنگی به ۳ ماه و یک روز و فردین میرکی به همین اتهام به ۹ ماه تحمل حبس محکوم شده بودند.

بعلاوه روز سه شنبه ۲ تیر فرزند مرادی نیا عضو کمیته هماهنگی و از فعالین کارگری در شهر سنجند با تایید شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان کردستان به دو سال حبس محکوم شد. حکم اولیه فرزند مرادی نیا توسط دادگاه بدوی شعبه ۱ استان کردستان صادر شده بود. فرزند مرادی نیا در تاریخ ۱۶ آذر ۹۳ توسط مامورین اطلاعات در منزلش دستگیر و بعد از ۲۵ روز در تاریخ ۱۱ دی ۹۳ با قرار وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد گردید.

رضا امجدی، فردین میرکی و فرزند مرادی نیا بخاطر مبارزاتشان در



دفاع از حقوق کارگران حکم زندان گرفته اند. رضا امجدی و فردین میرکی باید فوراً آزاد شوند و حکم فرزند مرادی نیا باید فوراً لغو شود.

همه کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

۶ تیر ۱۳۹۴، ۲۷ ژوئن ۲۰۱۵
Shahla.Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>



انجمن مارکس کانادا برگزار میکند ناسیونالیسم پست مدرنیستی!

نگاهی به تحولات ناسیونالیسم کرد و زمینه های منطقه ای و جهانی آن

موقعیت بورژوازی کرد در شرایط امروز خاورمیانه / بررسی انتقادی نظرات اوجالان و زمینه های سیاسی و اجتماعی این نظرات / وجوه اشتراك و تفاوت ناسیونالیسم کرد در چهارپارچه / بررسی موردی دولت اقلیمی کرد، تجربه کوبانی و انتخابات اخیر ترکیه / مبانی نقد و برخورد کمونیستی به احزاب ناسیونالیست کرد و عملکرد آنها در شرایط تازه

سخنران: حمید تقوائی

زمان: شنبه، ۴ جولای ۲۰۱۵ ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: تورنتو

**North York Civic Centre
5100 Yonge St. Room: 1**

ورودی: ۵ دلار

توجه: این برنامه همزمان در اتاق پالتاک پخش خواهد شد

زمان و آدرس اتاق پالتاک

ساعت ۵ بعد از ظهر بوقت لندن، ۶ بوقت اروپا و ۸ و نیم شب بوقت ایران

Categori: Middle East

Subcategori: Iran

Room Name: Anjomane Marx Canada

مسئول انجمن مارکس کانادا: ایرج رضائی

iraj_rezaei07@yahoo.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

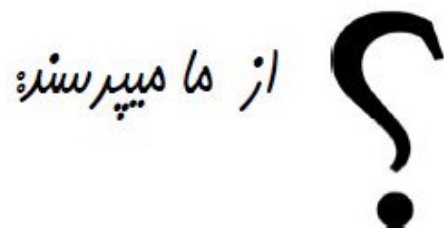
کارگران عسویه زیر بار زورگوییهای کارفرماها و دولت نمی روند

اعتراض دوباره کارگران عسویه به خاطر عدم پرداخت دستمزدهایشان
کارگران فازهای ۱۵ و ۱۶ عسویه با اعتصابشان عملاً قراردادهای برده وار ممنوعیت اعتصاب در این منطقه را زیر پا گذاشتند

کارگران فاز ۱۵ و ۱۶ منطقه ویژه اقتصادی از تاریخ ۸ تیر برای پرداخت دستمزدهایشان در اعتصاب بسر میبرند. کارگران این بخشها از سال ۹۳ هنوز طلبهای مزدی دارند. همچنین بخشی از دستمزدهای سال ۹۴ نیز هنوز پرداخت نشده است.

کارگران اعتصابی در فازهای ۱۵ و ۱۶ عسویه که حدود ۸۰۰ نفر میشوند در شرکت های آذران گستر، توانمند، تلاش گستر، آزمون فلز و پتروصنعت مشغول کارند و در روزهای گذشته با ماندن در خوابگاه و یا تجمع در مقابل دفتر کارفرمای اصلی پیگیر مطالبات خود شده بودند. این کارگران در رابطه با همین موضوع در اواخر سال ۹۳ نیز تجمعاتی اعتراضی داشتند. کارگران این منطقه به علامت اعتراض تصاویری از قراردادهای برده واری را که برای امضا به آنها داده شده است پخش و مخالفت خود را اعلام کرده بودند.





شما چرا با "تمامیت ارضی" مخالفید؟ آیا خواهان تجزیه ایران و جدایی بخش هایی از کشور هستید؟

علی جوادی پاسخ می دهد:

ما کمونیستیم. و برای نابودی نظام سرمایه داری و برقراری یک جامعه آزاد کمونیستی تلاش میکنیم. جامعه کمونیستی مورد نظر ما جامعه ای جهانی است. تقسیم شده به کشور و مرز و بوم نیست. مرز و بومی ندارد. هویت قومی و ملی ندارد. جامعه ای است آزاد و رها از مذهب، ملیت و انواع و اقسام افکار ناسیونالیستی و مذهبی عقب مانده و خرافی است. جامعه ای است بدون ایدئولوژی، بدون اخلاقیات و هویت های کاذب ملی و ضد انسانی و اسارت آور بر اندیشه و افکار انسانها. با نابودی نظام سرمایه داری، با لغو کار مزدی، با پایان دادن استثمار انسان از انسان، با از میان بردن طبقات و کشمکش طبقاتی، این میراث ارتجاعی و ضد انسانی جامعه سرمایه داری نیز از میان برداشته خواهد شد. از اینرو مبارزه ما برای ایجاد جامعه ای کمونیستی به اعتباری مبارزه برای برچیدن این تقسیم بندیهای کشوری ضد انسانی در جوامع امروز بشری است. ما به جای جامعه سرمایه داری امروز با استثمار و شکافهای طبقاتی اش، با تقسیم بندی جهان به کشور و مرز و بوم، جامعه ای جهانی، آزاد و انسانی را پایه ریزی خواهیم کرد.

درمان رایگان و آموزش رایگان ...

از صفحه ۲

قطعا میتواند پشتیبانی گسترده ای را هم دامن یزد.

مختلف جامعه را بهم پیوند میزنند. پیشرفت مبارزات جاری، در گرو تبدیل آن به یک دستاورد سراسری، پیوندهای واقعی و پشتیبانی و اتحاد و همکاری هر چه بیشتر است.

یک تجربه موفق معلمان اجرای گلگشت ها و دیدارهای فوق برنامه مانند راهپیمایی جمعی، ورزش صبحگاهی و از این قبیل ابتکارها

جوامع انسانی هستیم. "تمامیت ارضی" در عین حال تاریخ ویژه ای در فرهنگ و ادبیات ناسیونالیسم ایرانی دارد. نوعی بیماری است، احساسات کور و ضد انسانی عمیقی به آن گره خورده است. کهنه و قدیمی است، به دوران شکل گیری ناسیونالیسم عظمت طلب در ایران بازمیگردد. این رگه از ناسیونالیسم اساسا با افق کشور سازی معطوف به غرب، استبدادی و از بالا شکل گرفت. ویژگی تاریخی این جریان ادغام اجباری و کنار زدن جریانات خانجانی و عشیرتی توسط رضا شاه و شکل دادن به یک کشور و دولت واحد بود. سرکوبگری حکومت مرکزی و شکل دادن به "هویت ایرانی" به منظور حفظ این "انسجام" و "یکپارچگی" بخشی از کارنامه تاریخی این جریان است. این مشخصه اکنون به یک خصوصیت ژنتیک ناسیونالیسم ایرانی تبدیل شده است. جریاناتی که "تمامیت ارضی" از زیانشان نمی افتد، آماده اند که هر حرکت و تکان سیاسی را با اعلام آمادگی برای به پا کردن چکمه ها و قشون کشی پاسخ دهند.

به همین اعتبار "تمامیت ارضی" و کلا جدال بر سر چنین محورها و مفاهیمی یکی از مخاطراتی است که جامعه را در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی تهدید میکند. چرا که با بالا گرفتن تب ناسیونالیستی از یک سو و تشدید تحرکات قوم پرستانه از سوی دیگر، ما شاهد دامن زده شدن به خصومت و کینه

است. پرستانان با توجه به موانع شغلی و شیفت کاری و غیره باید به فکر ایجاد ارتباط زنده تر بین بخشها و بیمارستانهای مختلف باشند. معلمان با استفاده از شبکه های اجتماعی همین فعالیتهای جمعی را نیز رسانه ای و عمومی کردند تا روابط جمعی با یکدیگر را نیز حفظ کنند.

یک تجربه بسیار با اهمیت معلمان در تجمعات وسیعی که در مقابل مراکز آموزشی برگزار کردند، کنار زدن و منزوی کردن عافیت طلبی و

توزی و نفرت در میان بخشهای مختلف جامعه خواهیم بود. زمانی که هر تلاش و صدای حاشیه ای "یک غائله" و "حرکت تجزیه طلبی" قلمداد شود، نتیجتا قلدری و رشادت کودکانه جریانات رقیب قومگرا را نیز به دنبال خواهد داشت. تشدید این خصومتها تنها میتواند نتایج فاجعه انگیزی بدنبال داشته باشد. تحولات جهانی دوران کنونی نشان داده است که حتی جریانات ناسیونالیستی و قومی حاشیه ای تحت شرایط خاصی قادرند بزرگترین جدالها و کشمکشهای خونین قومی و ملی را بر متن کوچکترین شکافهای قومی و ملی ساختگی و واقعی در جامعه بپا کنند. سرنگونی کم مشقت رژیم آدمکشان اسلامی مستلزم حاشیه ای کردن تحرک قومپرستی و ناسیونالیسم در تحولات سیاسی آتی جامعه است.

آیا ما خواهان "تجزیه ایران" و جدایی بخشهایی از کشور هستیم؟

برعکس! ما علی العموم خواهان جوامع بزرگتر بشری هستیم. و مادامیکه جوامع کنونی بشری به کشور و سرزمین و مرز بوم تقسیم شده است، تا زمانیکه این وضعیت ضد انسانی موجود است، از نقطه نظر ما هرگونه تغییر و تحولی در این تقسیم بندیها تنها با اراده آزاد

سازشکاری و زیرپا خالی کن ها بود. افرادی که با آوردن عکس رهبران حکومتی و طرح شعارهایی که قنرت و نیروی اعتراضی جمع را خنثی می کند و به خواستی بی سر و ته منجر می کند که نهایتا از مسئولین میخواهد به آنها توجه کنند، برخورد کردند و با طرح مطالبات تیز و صریح، قنرت تشخیص و از همه مهمتر، تصمیم و عزم خود را نشان دادند و مایه امید جنبش اعتراضی جامعه گردیدند.

انسانها و مردم ساکن این بخشها و نه کشمکش و جدال و لشکر کشی میان بخشهای بورژوازی جهانی میتواند مشروعیت داشته باشد و برسمیت شناخته شود. ایران فردا، میتواند بزرگتر یا کوچکتر باشد. این مساله برای ما قدوسی نیست. این مساله این است که طبقه کارگر و مردم بخشهای گسترده تری از جامعه از حقوق مدنی و آزادی های سیاسی و انسانی بالا و رفاه بیشتری برخوردار باشند.

ما تنها زمانی که ناسیونالیستها و قوم پرستان چنان شرایط خصومت آور و کینه توزانه ای میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف در جامعه ایجاد کرده باشند که زندگی مسالمت آمیز و انسانی عملا به یک معضل غیر قابل حل تبدیل شده باشد (مانند مساله کرد در ایران) خواهان مراجعه به آرای عمومی و آزاد مردم و برگزاری رفراندوم بمنظور جدایی و تشکیل کشور مستقل و یا همزیستی مسالمت آمیز و برابر در چهارچوب کشور واحد هستیم. ما اراده آزاد مردم را برسمیت میشناسیم. مخالف هر گونه اقدام نظامی و قهرآمیز در مقابله با انتخاب آزادانه مردم هستیم. ما در شرایطی به جدایی رای میدهم که زندگی مشترک و مسالمت آمیز عملا غیر ممکن شده باشد.

طرح شعار هایی چون درمان رایگان و آموزش رایگان نمونه هایی از همین تیزبینی و واقع بینی در پروسه مبارزه است که مستقیما به هر چه متشکل تر شدن و متحذرت شدن و مورد پشتیبانی قرار گرفتن از سوی جامعه خواهد انجامید.

مبارزات شاداب و پر امید پرستانان میتواند پتانسیل ها و امکانات تکنیکی و اجتماعی موجود بخدمت بگیرد و پیروزمندانه بی پیش برود. *

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری درمورد درگذشت نادر بکتاش



و یاد عزیزش را گرامی میداریم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ ژوئیه ۲۰۱۵

مراسم تدفین نادر بکتاش در روز
هشتم ژوئیه در پاریس برگزار
میشود.

زمان: چهارشنبه ۸ ژوئیه ساعت ۱۰
صبح
مکان:

13 Rue Gaston
Monmousson,
94200 IVRY SUR
SEINE

امروز مطلع شدیم که متأسفانه نادر بکتاش از چهره های قدیمی چپ و کمونیسم کارگری هفته پیش در پاریس، شهر محل زندگی اش، در گذشته است. با درگذشت او کمونیسم و حزب کمونیست کارگری یکی از مدافعان و دوستان خوب خود را از دست داد. نادر بکتاش دستی در نویسندگی داشت و با سبک ویژه ادبی خود نقش فعالی در افشای مدافعان حکومت داشت. نادر بویژه در دوره خاتمی با قلم توانایی که داشت به مصاف ادبا و نویسندگان و هنرمندان مدافع خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی رفت و نوشته های بلند و کوتاه زیادی از این دوره فعالیت های او و همینطور نوشته های متعدد ادبی، سیاسی و اجتماعی از جمله کتاب داستانی بنام نامه به آقای رئیس از او بجا مانده است.

درگذشت نادر عزیز را صمیمانه به دختر نازنینش و به کلیه اعضای خانواده و دوستانش تسلیت میگوییم

پیام هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری به مراسم یادبود رفیق سعید اصلی



کارگری يك كادر قدیمی و محبوبش را و مردم آزادیخواه يك همزمزم و همراه خود را از دست دادند. اما سعید همیشه در قلب ما خواهد ماند. بار دیگر مرگ سعید را به همه شما عزیزان، به تك تك اعضای گرامی خانواده اش و به همه آنها که انسانیت را ارج مینهند صمیمانه تسلیت میگوییم.

یادش و راهش همیشه گرامی خواهد بود.

هیئت اجرایی حزب کمونیست
کارگری ایران
۲ جولای ۲۰۱۵

زندادان قصر به ملاقات پدرش ناصر الیجانی، از رهبران کارگران نفت تهران، میرفت که بدلیل تلاش برای ایجاد سندیکا و متشکل کردن کارگران به زندان افتاده بود، به کمونیسم و ایده های سوسیالیستی گرایش یافت و با خواندن اولین نشریه بسوی سوسیالیسم از اتحاد مبارزان کمونیست، به این سازمان و همراه با این سازمان به حزب کمونیست ایران و سپس حزب کمونیست کارگری پیوست و هیچگاه از تلاش برای ایجاد دنیایی بهتر، دنیایی فارغ از استثمار و ظلم و نابرابری باز نایستاد.

سعید تبلور مبارزه نسلی از مردم معترض و برابری طلب بود که با آرمانهای ولایت خستگی ناپذیر با هر آنچه ناعدالانه و غیر انسانی بود درافتاد. کمونیست شریفی که زندگی اش مانند يك آینه شفاف بود و همه جا انسانیت را نمایندگی کرد. با مرگ سعید عزیز حزب کمونیست

دوستان عزیز، حضار محترم،
خانواده گرامی سعید

به همه شما عزیزان که در این مراسم حضور یافته اید صمیمانه خوشامد میگوییم.

امروز یاد انسان عزیزی را گرامی میداریم که با آرمان های انسانی و بزرگش چندین دهه در مقابل جمهوری اسلامی ایستاد و در کنار دیگر همسنگران، محکم و سازش ناپذیر در جبهه های مختلف، مبارزه کرد. نه با اسلام و مذهب و خرافات سرسازشی داشت و نه در مقابل هیچ دیکتاتور و سرکوبگری سر تسلیم فرود آورد. نه با روی کار آمدن اصلاح طلبان و خاتمی و روحانی آرمان های انقلابی و برابری طلبانه اش کمرنگ شد و نه هیچگاه در مقابل هیچ تبعیض و نابرابری و ظلم و ستمی علیه مردم، تحت هیچ بهانه و شرایطی سر خم کرد.

سعید از همان دوران نوجوانی در زمان شاه، زمانی که پشت درهای

پرستاران بیمارستان های تهران، اصفهان و تبریز دست به تجمع اعتراضی زدند

رزمندگان و موثری از اعتراضات سراسری بدست داده اند. پرستاران نیز باید خود را برای اعتراض همزمان در سراسر کشور آماده کنند. خواست های پرستاران به همه مردم مربوط است. استخدام پرستار بیشتر و لغو اضافه کاری اجباری، افزایش حقوق پرستاران بالاتر از خط فقر و همینطور درمان رایگان باید به خواست عموم مردم تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ تیر ۱۳۹۴، ۲۹ ژوئن ۲۰۱۵

برخی پزشکان و مدیران و حقوق های ناچیز خود اعتراض دارند، خواهان اجرای هرچه سریعتر تعرفه گذاری پرستاری، افزایش حقوق بالاتر از خط فقر، استخدام رسمی پرستاران پیمانی، لغو اضافه کاری اجباری و در عوض استخدام پرستاران بیشتر هستند.

حزب کمونیست کارگری از خواست ها و اعتراضات بحق پرستاران حمایت میکند و پرستاران سراسر کشور، کارکنان بیمارستان ها و پزشکان شریف و معترض به این وضعیت را به اتحاد و یکپارچگی فرامیخواند. معلمان الگوهای

طبق گزارشات دریافتی امروز پرستاران بیمارستان های مدرس، شهدای تجریش، امام خمینی و بهارلو در تهران در محوطه بیمارستان و پرستاران بیمارستان رسول اکرم در مقابل بیمارستان دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی فوری به خواست های خود شدند. پرستاران بیمارستان الزهرا در اصفهان و پرستاران چندین بیمارستان در تبریز و اهواز نیز امروز تجمعات اعتراضی برپا کردند.

این تجمعات با فراخوان قبلی صورت گرفت. در هفته های گذشته پرستاران تعدادی از بیمارستان ها تجمعات اعتراضی را شروع کرده و فضای اعتراضی به سرعت به بیمارستان های سراسر کشور گسترش می یابد. پرستاران به تبعیضات مختلف از جمله حقوق های چند ده میلیونی

دعوت به سخنرانی در کلن آلمان

کمونیست کارگری

موضوع: جمهوری اسلامی بعد از مذاکرات با غرب
ررسی پیامدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی توافق هسته ای

سخنران: حمید تقوایی

کلن: شنبه ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۵ از ساعت ۱۸ بعد از ظهر

آدرس محل جلسه:

Altefeuerwach
Melchior strasse 3
50670 köln

تلفن های تماس:

01777237624
01785598886

تذکرات خارج کشور: حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان



انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سرمدیر: بهروز مهرآبادی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود